

الحمد لله
الرحمن الرحيم!

۱۳۴۸

شمس الدین رحمانی

سال ۱۳۴۸ شمسی

مقارن ۱۹۶۹ میلادی

شناسنامه :

۱۳۴۸؛ شمس الدین رحمانی؛

جمعیت حامیان آزادی قدس شریف؛

چاپ اول؛ ۱۴۰۲

قطع رقعی؛ ۷۴ صفحه

قیمت : ۵۰,۰۰۰ تومان

اشاره :

در مجموعه حاضر بخش فیلم‌های سینمایی و وقایع عمومی به وسیله
مهندس امیرحسین رحمانی تهیه شده است.

مقدمه

امام خمینی قدس سره در زمستان سال ۱۳۴۸ شمسی تصمیم گرفتند بحث ولایت فقیه و حکومت اسلامی را در درس‌های خود گنجانده و این مبحث را توضیح دهند.

چرا؟

چرا حضرت امام در این سال چنین تصمیمی گرفتند؟

از سال ۱۳۴۲ شمسی، شروع نهضت امام خمینی شش سال گذشته و تا سال ۱۳۵۷ شمسی، پیروزی انقلاب - که آن روز قابل پیش‌بینی هم نبود - ۹ سال باقی مانده بود. چرا این سال برای شروع این مبحث مهم انتخاب شد؟ بحثی که شیرازه و بنیان نظام حکومت اسلامی است.

بررسی و مطالعه وقایع مختلف این ایام نشان می‌دهد که در سه حوزه
 الف. وضع داخلی ایران؛ ب. وضع خاورمیانه؛ ج. اوضاع عمومی جهان؛
 در یک دوره ده ساله - ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۳ - آنچنان فشرده و متنوع و بی‌مانند است
 که سابقاً در هیچ دوره دیگری چنین بسامد متراکم و غیرعادی را نمی‌توان اینگونه
 مشاهده کرد. لذا با بررسی این وقایع در این ایام شاید بتوان به راز این انتخاب
 تعیین‌کننده پی برد و از این مهم‌تر به روال حرکت جریانات سیاسی و اجتماعی
 در این دوران دست یافت و حرکت «دشمن» از یک سو و لذا پیش‌بینی و
 برنامه‌ریزی خودی از سوی دیگر به نکاتی دست یافت که ارزش و قیمت چنین
 تلاشی را بتوان دریافت.

البته بعضی سال‌های قبل از این تاریخ و همچنین برخی وقایع بعد را هم
 باید برای زمینه‌چینی و نتیجه‌گیری بررسی کرد.



الف. در ایران

در ۱۰ فروردین سال ۱۳۴۰ شمسی آیه الله بروجردی در قم وفات کردند و دولت شاه و رژیم پهلوی که چندین سال در انتظار این فرصت مناسب بودند به ناگهان شروع به پیاده‌سازی برنامه‌های خود کردند.^۱

این برنامه‌ها چه بود؟

پس از جنگ جهانی دوم -۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ میلادی / ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۴ شمسی- دیگر دوره ابرقدرتی انگلیس تمام شده بود و نظام سرمایه‌داری، مرکز اقتدار خود را از انگلیس به آمریکا منتقل کرد اما در ایران با حضور آیه الله بروجردی و قدرت و اقبال مردم شیعه به ایشان چنین تغییری به راحتی ممکن نبود. با فوت ایشان بلافاصله کارگزاران رژیم شاه کوشیدند که اولاً مرکز دینی را از ایران و قم به نجف منتقل کنند و ثانیاً با برنامه‌های فشرده، نظام انگلیسی را به نظام آمریکایی بدل سازند.

درست در همین سال - اسفند ۱۳۴۰ - آیه الله کاشانی هم وفات یافت به این معنی که در یک سال مملکت ایران از دو قطب دینی و سیاسی

۱. کتاب «۱۵ خرداد ۱۳۴۲»، مجموعه مقالات همایش؛ جلد اول؛ دفتر ادبیات انقلاب اسلامی؛ چاپ اول ۱۳۸۸؛ صفحه ۱۰۱؛ مقاله مربوط به آیه الله شیخ حسین لنکرانی؛ نوشته مرحوم علی ابوالحسنی (منذر)

خالی شد^۲ ولذا بلافاصله در سال ۱۳۴۱ شمسی که دموکرات‌ها و جان‌کندی در آمریکا روی کار آمدند، برنامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی طرح و قرار شد که بساط ایران زیر و رو شود.

حرکت توفنده امام خمینی در مبارزه با این طرح هم منجر به درگیری و حمله به مدرسه فیضیه در نوروز ۱۳۴۲ شمسی و بعد از آن کشتار فجیع در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ شمسی شد که حضرت امام آن را طلوعه یک جریان عظیم دانستند و گفتند:

سال‌ها می‌گذرد حادثه‌ها می‌آید انتظار فرج از نیمه خرداد کشم

و یادمان باشد که امام با این بیان شعری، نخواستند فقط یک لطافت معنوی را بیان کنند بلکه به نظر می‌رسد که کاملاً یک مقصد و مقصود حقیقی و واقعی داشته‌اند.

دستگیری امام و نهضت مردم ایران و بعد از چندی رهایی امام از زندان و بعد، واقعه کاپیتولاسیون - مصونیت کنسولی اتباع آمریکا در سال ۱۳۴۳ شمسی - و سخنرانی پرشور امام در ۱۳ آبان این سال منجر به دستگیری امام و تبعید ایشان به بورسای ترکیه و در یک سال بعد به نجف اشرف شد.

۲. آیا می‌توان حدس زد که مرگ آیه الله کاشانی حساب شده و تعمّدی بوده است؟

در سال ۱۳۴۳ شمسی محمد بخارایی و صفّار هرنّدی و نیک نژاد و صادق امانی، حسنعلی منصور را ترور کردند و کشتند و پس از دستگیری - در سال ۱۳۴۴ شمسی - در دادگاه نظامی محاکمه و اعدام شدند. در این سال ۱۳۴۴ شمسی، شاه کلنگ مسجد دانشگاه تهران را به زمین زد - و همزمان «ملکه فرهنگ»، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را تأسیس کرد - اینها درحالی بود که روابط اقتصادی ایران و اسرائیل هم به طور مداوم گسترش می‌یافت که یک نمونه آن تأسیس شرکتی اسرائیلی-ایرانی به نام «شرکت نفت ما و راه آسیا» که در کانادا ثبت شده و با شعبه‌هایی در تهران و تلاویو کار می‌کرد. در سال ۱۳۴۸ شمسی به دستور شاه ده میلیون بشکه نفت به اسرائیل فرستاده شد و این جریان تا سال ۱۳۵۲ شمسی هم ادامه یافت.^۳

رژیم شاه گمان می‌کرد که دیگر کاملاً به اوضاع مسلط است و می‌تواند برنامه‌های خود را که با اهداف آمریکا و اسرائیل هماهنگ بود اجرا کند. برنامه‌ها چه بود؟

- ریشه‌کنی اعتماد دینی مردم به اسلام و مسلمانی؛ که خصوصاً فراماسونری و بهائیت عوامل آن بودند؛

۳. کتاب «۱۵ خرداد، مجموعه مقاله»؛ جلد ۲؛ صفحه ۳۹۸؛ نوشته مدیر شانه‌چی از دانشگاه آزاد مشهد

- اتصال اقتصاد مملکت به کالای واحد نفت ولذا از بین بردن اقتصاد سنتی و طبیعی مملکت؛
- تنظیم یک برنامه عمومی برای جایگزینی فرهنگ و اخلاق و ادب و آداب ملی و شاهنشاهی.

بنابراین ابتدا شش اصل به عنوان انقلاب سفید ساخته شد که بعدها تا بیش از بیست اصل پیش رفت و سپس در حوزه‌های کلان فرهنگی، نظام دانشگاهی از شکل قدیم به نظام واحدی تبدیل شد - در سال ۱۳۴۳ شمسی - و آموزش و پرورش از نظام قدیمی دو مقطعی به سه مقطعی تغییر کرد - که عیناً شبیه نظام آموزشی آمریکا بود - و به خصوص تشکیل سازمان کتاب‌های درسی در زمستان ۱۳۴۳ شمسی و چاپ کتاب‌های واحد برای مقاطع و دروس مختلف ترتیب داده شد که قبلاً اینگونه نبود. در سال ۱۳۴۴ شمسی به وسیله یک زن فاسد بهائی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان درست شد تا چنانکه از نامش پیداست برای آینده هنرمند و ادیب و روشنفکر تراز نظام جدید، تربیت کند و در این زمینه هم از هر دو طرف نظام روشنفکری - کمونیست‌ها و غربگراها - افرادی شروع به کار کردند.

همزمان با این وقایع «شهبانو فرح!» که به عنوان «ملکه فرهنگ پرور» ایران تبلیغ می‌شد طرحی برای کانون نویسندگان پیشنهاد کرد که با تلاش و زمینه‌چینی جلال آل احمد و همراهی دیگران آن طرح بهم خورد و سپس آل احمد

«کانون نویسندگان» خود را راه انداخت که ضربه سختی به نظام و فرهنگ و برنامه‌ریزان شاهنشاهی بود.

در سال ۱۳۴۴ شمسی - ۲۱ فروردین - سرباز وظیفه رضا شمس‌آبادی در کاخ مرمر به طرف شاه شلیک کرد ولی نتوانست به هدف بزند. در همین سال محمد حنیف نژاد و سعید محسن از اعضا جبهه ملی و نهضت آزادی جدا شده و سازمان مجاهدین خلق را تأسیس کردند.

در سال ۱۳۴۶ شمسی بیژن جزنی مبارزه مسلحانه را شروع کرد. در آبان این سال جشن تاج‌گذاری هم انجام شد.

در ۱۷ دی ۱۳۴۶ شمسی تختی، جهان پهلوان و محبوب مردم ایران به طرز مشکوکی از دنیا رفت.^۴

در اردیبهشت سال ۱۳۴۷ شمسی مسابقه‌ای ترتیب دادند بین تیم فوتبال ایران و اسرائیل در ورزشگاه امجدیه (شهید شیروودی فعلی) که از همان ابتدا بدون هیچ پیش‌بینی و تشکیلاتی، مردم تهران مخالفت با اسرائیل را در شعارها و

۴. با وجود جزئیات مشکوک فراوان - و اسناد ساواک - در پرونده مرگ تختی، هنوز هم برخی با استناد به گفته‌های دوستان و نزدیکان او - در صورتی که در زمان مرگ جهان پهلوان، کسی در هتل همراه او نبوده - و حتی تهیه فیلم‌های پرهزینه و خوش‌ساخت، اصرار در خودکشی جلوه دادن آن دارند.

برخوردها شروع کردند و حتی ادامه این تظاهرات تا بعد از نیمه شب به خیابان‌ها و کوچه پس کوچه‌ها کشید و تا پاسی از شب ادامه داشت. ساواک به شدت به دنبال سازمان دهندگان آن گشت و نمی یافت.

در سال ۱۳۴۷ شمسی سازمان بازرسی شاهنشاهی تحت نظر مستقیم شاه شروع به کار کرد.^۵

در شهریور ۱۳۴۷ شمسی، صمد بهرنگی در رود ارس غرق شد که به خصوص با مقاله آل احمد غوغایی به پا گشت.

در سال ۱۳۴۸ شمسی در تیرماه خلیل ملکی، فعال سیاسی ناگهان در بعد از ظهری دارفانی را وداع گفت که با توجه به علاقه آل احمد به او و جنبه استادی وی جمله شمس آل احمد درباره او قابل تأمل است. شمس آل احمد می نویسد: «یقین دارم که اگر جلال دو ماه پس از مرگ ملکی با وی هم‌مزار نشده بود به مراتب مفصل‌تر از آنچه در مورد مرگ جهان پهلوان تختی ... و صمد بهرنگی ... ادای دین و وظیفه می‌کرد تا نشان دهد که «ملکی میرانده شد.»^۶

۵. برای بررسی جزئیات آن رجوع شود به کتاب «خاطرات فردوست»

۶. کتاب «از چشم برادر»؛ شمس آل احمد؛ انتشارات بدیهه؛ ص ۸۱

در نیمه شهریور ۱۳۴۸ شمسی، جلال آل احمد فوت کرد که برادرش شمس آل احمد آن را قتل و عاملش را ساواک می‌داند - درحالیکه مانند ماجرای تختی مرگ او هم با تأیید و تأکید (!) برخی نزدیکانش اگر نه خودکشی ولی طبیعی جلوه داده شد - و اسناد ساواک و کارگردانی پرویز ثابتی بهائی در آن قضایا و مجموع وقایع نشان می‌دهد که واقعاً مرگ آل احمد قتل بوده است یعنی رژیم شاه، سفاکانه هرکس را که در مقابلش می‌ایستاد در آن ایام از سر راه برمی‌داشت.

پنج ماه بعد از این وقایع امام قدس سرّه در بهمن ماه ۱۳۴۸ شمسی درس‌های ولایت فقیه را شروع کردند.

در همین ایام، اسماعیل رائین، کتاب فراماسونری و فراموش‌خانه را در سه جلد منتشر کرد که چاپ اوّل آن سال قبل - ۱۳۴۷ شمسی - در ایتالیا چاپ شده بود و چاپ جدید آن در ایران، بساط فراماسونری انگلیس را برملا کرده و مقدمات تشکیل فراماسونری آمریکایی را آماده می‌ساخت.

در این سال ۱۳۴۸ شمسی، با همکاری برادران هومن - احمد و محمود -، تقی زاده، حسین علا، شریف امامی و چند نفر دیگر در ایران «لژ بزرگ ایران»

درست شد که استاد اعظمش شریف امامی بود تا هدایت فرهنگی و سیاسی فراماسونری به طور رسمی از انگلیس به آمریکا منتقل شود.^۷

در سال ۱۳۴۹ شمسی گروهی از مارکسیست‌ها به سیاهکل حمله کردند.

در این سال، تیمور بختیار رئیس سابق ساواک و مزاحم جدید رژیم شاه به وسیله مأموران ساواک در عراق کشته شد.^۸

۷. رجوع شود به کتاب «اسناد فراماسونری در ایران»؛ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی؛ چاپ ۱۳۸۰؛ جلد اول؛ صفحات ۴۰۹ تا ۴۵۵

۸. تیمور بختیار از افراد ایل بختیاری در سال ۱۲۹۳ شمسی در اصفهان زاده شد. در سال ۱۳۱۲ شمسی به دانشکده نظامی سنسیر فرانسه رفت و پس از بازگشت تا ریاست رکن چهار ستاد لشکر ترفیع درجه یافت و رئیس ستاد لشکر گارد شاهنشاهی شد و بعد هم با مناصب دیگر تا کودتای ۲۸ مرداد که به سپهبد زاهدی کمک کرد و قرار بود از کرمانشاه در صورت عدم توفیق کودتا به تهران بیاید. در سال ۱۳۳۲ شمسی فرماندار نظامی تهران شد و در سال ۱۳۳۵ شمسی در تشکیل ساواک همکاری کرد و رئیس آن سازمان شد. بختیار متهم به دزدی‌ها و حیف و میل‌های کلان بود و در فساد و عیاشی هیچگونه پنهان‌کاری نداشت. به دلیل هراسی که شاه از قدرت‌طلبی او داشت در سال ۱۳۴۰ شمسی به ایتالیا و سوئیس فرستاده و در سال ۱۳۴۱ شمسی بازنشسته شد. اما به فعالیت‌ها و ارتباطات خود در کشورهای مختلف و ایضاً عراق ادامه داد و عاقبت هم در دادگاه ارتش محکوم و سپس به وسیله مأموران ساواک در ۱۳۴۹ شمسی ترور شد و چند روز بعد در اثر عوارض آن به قتل رسید.

در سال ۱۳۴۹ شمسی، حجة الاسلام سعیدی شهید شد که بازتاب وسیعی داشت.^۹ بعد از این وقایع و حوادث در این ایام بساط جشن‌های ۲۵۰۰ ساله برپا شد که خود، داستان مفصل و عجیب و غریب و فوق‌العاده‌ای بود. یعنی نظام پهلوی گمان می‌کرد که حالا دیگر واقعاً کوروش می‌تواند آسوده بخوابد^{۱۰} و میراث او، یعنی نظام شاهنشاهی مورد علاقه کوروش و خشایارشا و ملکه استر و مردخای برقرار شده^{۱۱} و اکنون دیگر به دست یهودی‌ها و فراماسون‌ها و صهیونیست‌ها می‌توان به راحتی و با قدرت بر این سرزمین سوق‌الجیشی حکومت کرد آنچنانکه هیچ مزاحمتی هم، از جانب توده مردم و روحانیون در کار نباشد.

۹. سید حمید روحانی نویسنده کتاب «نهضت امام خمینی»، یک فصل از کتاب خود را - صفحات ۵۹۳ تا ۶۵۵ - در جلد دوم درباره زندگی و فعالیت‌های مرحوم شهید سعیدی توضیح داده است که بسیار خواندنی است. در صفحات ۵۹۷ تا ۶۱۰ بعضی گفته‌های این شهید را در تاریخ ۱۳۴۵/۲/۲ تا ۱۳۴۹/۳/۱ نقل کرده و عاقبت هم در تاریخ ۱۳۴۹/۳/۲۱ در زندان به شهادت رسید. صفحات ۶۱۳ تا ۶۱۸ مکتوبات و پیام‌های امام برای مرحوم شهید سعیدی آمده و در صفحات ۶۲۷ تا ۶۴۲ بازتاب شهادت سعیدی در میان مردم و برگزاری مراسم از این صفحه تا صفحه ۶۴۶ بازتاب‌های جهانی و مطبوعاتی و در صفحات ۶۴۶ تا ۶۵۵ حوزه نجف و قم و پیام امام نقل شده است.

۱۰. شاه در سخنرانی بر مزار کوروش گفت: «کوروش! آسوده بخواب که ما بیداریم!»
 ۱۱. برای داستان ملکه استر و کشتار ۷۵۰۰۰ ایرانی به دست ارتش هخامنشی و سلطه یهودیان بر ایران رجوع شود به «کتاب مقدس» فصل استر که به زبان فارسی و روشن بیان شده و هر سال به مناسبت این واقعه، جشن پوریم در اواخر اسفند و اوائل فروردین در سراسر دنیا برگزار می‌شود.

طبعاً در این زمینه باز هم افراد مخالف و مقاوم همچنان سرکوب می‌شدند و کسانی چون آیه الله سعیدی و آیه الله غفاری شهدای روحانی و بسیار دیگرانی در زیر شکنجه و فشار و قتل، «جزیره آرامش»^{۱۲} را برای شاه و رژیم پهلوی و بلکه برای آمریکا و اسرائیل فراهم می‌کردند.

در سال ۱۳۵۰ شمسی، شاه فرمان تأسیس «کمیته مشترک ضد خرابکاری» ساواک و شهربانی را صادر کرد و کنترل‌ها و فشارها و شکنجه و جنایات رژیم پهلوی روزافزون شد.

در کنار این قساوت‌ها و بی‌رحمی‌ها، ترویج فساد و تباهی و بهم زدن اصل و اساس دینی و اعتقادی و اخلاقی مملکت به دست بهائی‌ها با شدت و حدت ادامه داشت و همراه آن جنایات، کار بهائی‌ها و فراماسون‌ها، به طور مداوم و مستمر انجام می‌شد.

بهائیت یکی از موارد بسیار بین و واضح در مخالفت با دین و اخلاق بود و در ذهن همگان فساد و تباهی و دین‌ستیزی و اخلاق‌گریزی را تداعی می‌کرد. این فرقه با سابقه طولانی و با آثار متنوع روحی و روانی در ذهن مردم و متخصصان، این نظر قطعی را ایجاد کرده بود که تنها اثر و فایده آن ریشه‌کنی

۱۲. یک سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، جیمی کارتر رئیس‌جمهور آمریکا در ضیافت شاه، ایران را «جزیره آرامش» نامید.

تمام آثار و نتایج اخلاق و اعتقاد است زیرا مردم ما نسبت به اعتقاد دینی و شیعی خود حسّاس بودند و بهائیت درست به مرکز اصلی آن اعتقاد که امامت و تشیع و مهدویت بود حمله می‌کرد. علاوه بر این سابقه تاریخی و آنچه که درباره آن در یکی دو قرن اخیر - از زمان امیرکبیر - نقل می‌شد، همگی نشانه رذالت و خبثات و بددلی و در میان عموم مردم هم شناخته شده بود.

البته در دوره‌های قبلی - قاجار و پهلوی اوّل و جنگ جهانی تا کودتای ۲۸ مرداد - حضور و اثر بهائیت یک جریان ظاهراً معمول و متداول استعماری و ضد دینی بود به علاوه اینکه اشتغالات دیگر هم ذهن و دل مردم را پر کرده بود؛ ولی با رحلت آیه الله بروجردی و شروع نهضت امام خمینی و بیانات صریح ایشان بهائیت به یک عنصر اصلی ضد دینی و ضد بشری تبدیل شد.

امام - عصر ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ شمسی مصادف با ۱۰ محرم ۱۳۸۳ هجری قمری - در این مورد می‌فرمایند: «آقا یک حقایقی در کار است، من باز دارد سرم درد می‌گیرد؛ یک حقایقی در کار است؛ شما آقایان در تقویم دو سال پیش از این یا سه سال پیش از این بهائی‌ها مراجعه کنید در آنجا می‌نویسد تساوی حقوق زن و مرد رأی عبدالبهاء است آقایان از او تبعیت می‌کنند. آقای شاه ... این را به تو تزریق کرده‌اند که بگویند بهایی هستی که من بگویم کافر است بیرون کن ... شاه ندیده این را؟ اگر ندیده مؤاخذه کنند و به این بیچاره تزریق کرده‌اند ...

شما هی بگوید که : «آقایان نگوید دین در معرض خطر است.» ما که نگفیم دین در معرض خطر است. در معرض خطر نیست؟...»^{۱۳}

به علاوه در آن ایام حضور بهائی‌ها در پست‌ها و موقعیت‌های کلیدی و رفتار آنها در ایجاد این نگرش و تقویت آن به شدت اثر داشت. مثلاً از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷ شمسی به مدت ۱۳ سال امیرعباس هویدا، یهودی‌الصل و بهائی و فراماسون، نخست‌وزیر این مملکت بود با نکته‌ها و داستان‌ها و نقل قول‌های فراوان؛

در همین سال‌ها عبدالکریم ایادی - ایضاً یهودی‌الصل و بهائی - به عنوان یک امیر ارتشی با به عهده داشتن ۸۰ شغل و با قدرت فراوان این سؤال را در ذهن‌ها مطرح می‌کرد که آیا در این مملکت شاه سلطنت می‌کند یا سپهد ایادی؟

لیلی امیرارجمند، یک زن فاسد بهائی که قبلاً در دوران دانشجویی در اروپا همراه و همکار فرح دیبا بوده از سال ۱۳۴۴ شمسی با به راه انداختن کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به دنبال درست کردن نسل هنرمندان و فرهنگیان ایران از میان کودکان و نوجوانان بود.^{۱۴}

۱۳. صحیفه امام؛ جلد اول؛ ص ۲۴۷

۱۴. برای شناختن بیشتر لیلی امیرارجمند رجوع شود به کتاب خاطرات فردوست و ایضاً کتاب اسناد ساواک راجع به لیلی امیرارجمند.

پرویز ثابتی - یهودی‌الاصل و بهائی - شکنجه‌گر ساواک که بسیاری از شهدای قبل از انقلاب به دست او شهید شدند؛

سپهبد خسروانی رئیس باشگاه ورزشی تاج (استقلال فعلی)؛

اسدالله صنیعی از فرماندهان و سردمداران ساواک؛

دکتر شاپور راسخ و احسان یارشاطر استادان دانشگاه تهران؛

فرخرو پارسا وزیر آموزش و پرورش با داستان‌های عجیب و غریب و رفتارهای عجیب و غریب‌تر از فساد و تباهی ...

حبیب‌الله ثابت پاسبان که در ۲۸ مرداد در آمریکا همه‌گونه کمک و همراهی به شاه کرده بود و بعد از کودتا هم از امکانات بسیار زیاد در اقتصاد و فرهنگ متنعم شد و شرکت پپسی کولا و تلویزیون پارس و غیره گوشه‌ای از امکانات او بود. مشهور است که علت شهادت طیب حاج رضایی و برخی دیگر خواست و نظر وی بوده است.

منصور روحانی مدیرعامل سازمان آب؛

منوچهر شاه قلی وزیر بهداشت؛

هژبر یزدانی یک چوپان سنگسری که به وسیله نصیری رئیس ساواک به مال و ثروت افسانه‌ای دست یافت^{۱۵} ... اینها بخشی از افرادی بودند که به دلیل مشاغل بالای اداری و اجتماعی معروف شده بودند والا دایره فعالیت‌های بهائی‌ها که عموماً هم یهودی‌الاصل بودند^{۱۶} - و با سیاست‌های اسرائیلی به شدت همخوانی و همدلی داشتند - بسیار بیش از این حرف‌ها بود.

ایضاً توجه شود که بسیاری از این بهائی‌ها فراماسون هم بودند که آن هم خود زمینه دیگری می‌شد برای اعمال نفوذ و قدرت.^{۱۷}

همچنین بسیاری از بهائی‌ها صاحبان شرکت‌ها و دارندگان ثروت‌های کلان در زمینه‌های اقتصادی - خصوصاً نمایندگی شرکت‌های خارجی و عموماً یهودی -

۱۵. برای اطلاع بیشتر رجوع شود خصوصاً به مجموعه مقالات همایش ۱۵ خرداد از انتشارات دفتر انقلاب اسلامی چاپ ۱۳۸۸ در دو جلد و به ویژه جلد دوم صفحات ۳۳۹ تا ۳۵۵ مقاله دکتر عبدالکریم گواهی درباره ریشه‌ها و مطامع بهایی‌ها از زمان محمدعلی باب تا زمان پهلوی.

۱۶. رجوع شود به کتاب «چهار مقاله در زمینه بهائیت»؛ دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛ چاپ چهارم؛ ص ۱۰۳ تا آخر کتاب، خلاصه سخنرانی مورخ ۱۳۸۷/۵/۵ حجة الاسلام فاکر در کمیته امداد خراسان رضوی. ایضاً کتاب «خفاش و خورشید»؛ شمس‌الدین رحمانی؛ انتشارات حامیان آزادی قدس شریف؛ ۱۳۹۱؛ صفحه ۱۵ به بعد. همچنین کتاب «سازمان سیاسی بهائیت» نوشته دکتر حمیدرضا اسماعیلی؛ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، سال ۱۴۰۱؛ چاپ سوم

۱۷. رجوع شود به کتاب «اسناد فراماسونری در ایران» چاپ ۱۳۸۰ در مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی که در دو جلد به تفصیل بیان شده است.

بودند که از آن طریق هم در ترویج روحیه و کار و فرهنگ یهودی-بهایی-ماسونی و هم در به کار گرفتن افراد بهائی دست گشاده‌ای داشتند و مجموع این قضایا یک بار سنگین فرهنگی و اقتصادی در کل مملکت ایجاد کرده بود.^{۱۸}

ب. در خاورمیانه

آنچه که به اختصار و فشرده در سطور قبل نقل شد همراه بود با وقایع خاورمیانه. در این منطقه یک واقعه بسیار مهم، جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل است.

در خردادماه ۱۳۴۶ شمسی - ژوئن ۱۹۶۷ میلادی - در عرض شش روز، ارتش اسرائیل سه کشور مصر، سوریه و اردن را مورد حمله قرار داد و به کلی ارتش‌های آنها را زمین‌گیر و متوقف کرد و بقیه سرزمین‌های فلسطین و بلندی‌های جولان و صحرای سینا و تمامی بیت‌المقدس را اشغال کرد. با توقف جنگ، چنان ضربه کاری به کشورهای عربی زده شد که حیرت‌آور بود.

۱۸. در زمینه بهائیت الحمدلله منابع و اسناد فراوانی چاپ و نشر شده است که قابل بررسی و رجوع است.

آبَابان، سفیر اسرائیل در امریکا در کتاب خود - قوم من، بنی اسرائیل - درباره این جنگ برخلاف شیوه معمول آرام و دیپلماتیک خود می نویسد : «در ظرف یک هفته، یک اسرائیل خشمگین با چنگ و دندان، دشمن را تا خرخره درهم درید و از پای درآورد ...»^{۱۹} احساس نژادی و نفرت و قساوت را در این جملات به خوبی می توان به چشم دید.

اسرائیلی ها چنان سرمست پیروزی و مغرور از این فتح بودند که حد و حساب نداشت. آمریکا و انگلیس در انتخابات بعدی، هر دو، احزاب راست گرا و تند و خشن را روی کار آوردند و روشنفکران اروپایی در کمال وقاحت باز هم دم از مظلومیت یهودیان زدند بطوریکه جلال آل احمد در این باره می نویسد^{۲۰} : «... مردم فرانسه از خرد و کلان و چپ و راست چه نژادپرست و چه ... ضدعربند! هیچکس فکرش را نمی کرد - و من از همه کمتر - که داغ الجزایر چنین بر دل اینها مانده باشد. و ماجرای لشکرکشی کانال سوئز در ۱۹۵۶ میلادی و ناکام ماندن آن چنین به انتقام کشی تحریصشان کرده باشد. به قول امه سه زر «همه این حیوانات رنگارنگ، لشکریان جرّار استعمارند. همه شان برده فروشند و همه شان به انقلاب بدهکار.»

۱۹. قوم من، تاریخ بنی اسرائیل؛ آبَابان؛ ترجمه نعمت الله شکیب اصفهانی؛ انتشارات بروخیم؛ ص ۷۰۳

۲۰. کتاب «اسرائیل، عامل امپریالیسم»؛ جلال آل احمد؛ چاپ دوم؛ ۱۳۵۷؛ ناشر: کاروان؛ صفحات ۱۰ تا ۱۲

دو هفته تمام «آماده کردن افکار عمومی» ... آن وقت که اوّل به میدان جست؟ دسته‌چپی‌ها! «حضرات وجدان جهانی»؛ آنهایی که در مغز پوسیده خود فکر می‌کنند که «رسالت» دفاع از حق را در تمام دنیا دارند. آنهایی که حسن و حسین و تقی و نقی را در اقصابلاد عالم به نام «انسانیت» محکوم می‌کنند! همه آنها یکمرتبه به میدان رفتند. از سارتر گرفته (و این یکی کمتر از بقیه دیگران) تا کرگدنی یا خوکی اوژن یونسکو نام که وقاحت را به آنجا رساند که ادعا کرد «آوارگان بی‌وطن فلسطین که بیست سال است در اردوگاه‌های جنگ به سر می‌برند و جیره غذایی نصف یک آدم معمولی را از راه سازمان ملل دریافت می‌کنند همگی می‌خواهند کاری را بکنند که هیتلر نکرد.» یعنی می‌خواهند این یهودی‌های رنگ و وارنگ اروپایی و آمریکایی را که نماینده تمدن غربند در وسط ممالک عربی قتل عام کنند! مالیخولیایی دیگری به نام لانزمن که جزء دارودسته «تان مدرن» سارتر است آنچنان از این وحشی‌گری خیالی اعراب از کوره در رفت که هر آنچه از چننه علیش درمی‌آمد نثار این مردم کرد. فدراسیون چپ و حضرت مندرس فرانس که جای خود دارد اما وقیح‌تر و بی‌آبروتر از همه جناب دانیل مایر بود که رئیس مجمع دفاع از حقوق بشر است! و به نام رسالت تاریخی‌اش که به عهده دارد چنین تخم فرمود که: من از سوسیالیست بودن (!!) خود متنفرم از انسان بودن خود هم متنفرم اما به یهودی بودنم افتخار می‌کنم.

به مدّت یک هفته اینجوری دور به دست این اراذل ادبی و سیاسی بود و چه سیرکی! جای خالی اما پس از اینکه دهن اینها از عربده‌کشی کف کرد آنوقت صاحبکاران اصلی که سرنخ بدستشان است وارد گود شدند. زمینه آماده بود. چپ فرانسه ... به طور یکپارچه احساسات را برای ماهیگیری بعدی آماده کرده بودند. مطبوعات بورژوا و ارگان‌های پول و منفعت از دوش این روشنفکران چپ! بالا رفتند. اسم‌نویسی داوطلبان شروع شد و پول جمع کردند. حضرت بارون ادموند دو روچیلد دبیرکل اتحادیه طرفداران اسرائیل در میتینگ‌های هیستریک و راسیستِ ضد عربی در کنار نامدارترین عناصر دست چپ قرار گرفت. همه با هم به کمک اسرائیل متمدن! به جنگ اعراب جاهل و وحشی شتافتند برای اینکه حساب دستت باشد و حرف‌های مرا حمل بر اغراق نکنی فقط یک نمونه دستت می‌دهم. پنج ماه است که کمیته‌ای به نام نهضت یک میلیارد فرانک برای ویتنام دارد فعالیت می‌کند که هدفش از اسمش پیداست و تا به حال فقط دویست میلیون فرانک جمع کرده اما در عرض ۴۸ ساعت میزان پولی که در فرانسه برای اسرائیل جمع شد از ۳ میلیارد فرانک گذشت! که فقط نصف آن را حضرات روچیلد پاریس و لندن هدیه کردند و تو خود حدیث مفصّل بخوان از این مجمل ...»

امام خمینی در تاریخ ۱۷ خرداد ۱۳۴۶ شمسی مطابق ۷ ژوئن ۱۹۶۷ میلادی و مقارن ۲۸ صفر ۱۳۸۷ قمری اعلامیه‌ای علیه اسرائیل داده و به شدّت آن را

محکوم کرده و هرگونه ارتباط با آن را حرام و ممنوع اعلام کردند. متن اعلامیه چنین است :

«بسم الله الرحمن الرحيم. قراراً دولت‌های اسلامی را دعوت به اتحاد و برادری نموده‌ام در مقابل اجانب و ایادی آنها که می‌خواهند با ایجاد نفاق در بین مسلمین و دولت‌های اسلامی، ممالک عزیز ما را در تحت اسارت و ذل استعمار نگهدارند و از مخازن معنوی و مادی آنها استفاده کنند.

قراراً دولت‌ها را به خصوص دولت ایران را از اسرائیل و عمال خطرناک آن تحذیر نمودم. این ماده فساد که در قلب ممالک اسلامی با پشتیبانی دول بزرگ جایگزین شده است و ریشه‌های فسادش هر روزی ممالک اسلامی را تهدید می‌کند باید با همّت ممالک اسلامی و ملل بزرگ اسلام ریشه‌کن شود. اسرائیل قیام مسلحانه بر ضد ممالک اسلامی نموده است و بر دول و ملل اسلام قلع و قمع آن لازم است. کمک به اسرائیل چه فروش اسلحه و مواد منفجره و چه فروش نفت^{۲۱}، حرام و مخالفت با اسلام است. رابطه با اسرائیل و عمال آن چه رابطه تجاری و چه رابطه سیاسی حرام و مخالفت با اسلام است. باید مسلمین از استعمال امتعه اسرائیل خودداری کنند. از خداوند تعالی نصرت اسلام

۲۱. گفتنی است که بیشتر نفت مورد نیاز اسرائیل را در آن ایام ایران تأمین می‌کرد.

و مسلمین را خواستار است. وَالسَّلَامُ عَلٰی مَنْ اَتَّبَعَ الْهُدٰی. روح الله الموسوی
الخمینی^{۲۲}

جمال عبدالناصر در پیامد این شکست شدید در جنگ شش روزه استعفا
کرد ولی مردم مصر با جمعیت میلیونی در قاهره به تظاهرات حاضر شده و ضمن
عدم قبول استعفای ناصر فریاد «مرگ بر شوروی» سر دادند یعنی نشان دادند که
کمونیست‌های شوروی عیناً آمریکا، جانب اسرائیل را گرفته و با عدم کمک به
مصر و وفا نکردن به عهد خود، در شکست مصر و اعراب به اسرائیل کمک
کرده‌اند.

در عین حال اسرائیل - در مارس ۱۹۶۸ میلادی - با همه قوا به روستای
کرامه حمله کرد تا فلسطینیان را شکست داده و آخرین مقاومت‌های آنان را درهم
بشکند اما با چند روز مقاومت فلسطینیان، اسرائیل نیروهای خود را عقب کشیده
و از شکستن آنان عاجز ماند.

چندی بعد - در آگوست ۱۹۶۹ میلادی / مرداد ۱۳۴۸ شمسی - یک
صهیونیست ظاهراً به انتقام شکست نبرد کرامه، مسجدالاقصی را به آتش کشید
که قسمت بزرگی از آن سوخت. اسرائیل گمان می کرد که دیگر - بسان جنگ
شش روزه - می‌تواند قبله اول مسلمانان را هم نابود کند.

۲۲. صحیفه امام؛ جلد دوم؛ ص ۱۳۹

نبرد کرامه نشان داد که روابط دولت‌ها و ملت‌های مسلمان چقدر با یکدیگر تفاوت دارد. اسرائیل به تدبیر دیگری دست زد: تحریک اردن و ارتش آن برای درگیر شدن با فلسطینیان که بعد از تهیه مقدماتی - خصوصاً این تحریک که فلسطینیان در اردن و مصالح آن دخالت می‌کنند - حاصل کار بعد از یکی دو سال حمله ارتش اردن به فلسطینیان و کشتار چندین هزار فلسطینی به دست اعراب هم‌دین و هم‌نژاد آنان بود که اسرائیل خواهش را هم نمی‌دید.

عبدالنصر - که دوباره کار خود را ادامه می‌داد و چون گذشته رهبری اعراب را داشت - سران درگیر را در قاهره جمع کرد تا یاسر عرفات و ملک حسین در کنار هم مسائل را حل کنند اما بعد از یکی دو روز ناگهان اعلام شد که عبدالنصر در ۲۸ سپتامبر سال ۱۹۷۰ میلادی مقارن ۶ مهر ۱۳۴۹ شمسی سخته کرد و فوت نمود؛ فوتی که نمونه‌هایش را در مورد کسانی که در مقابل اسرائیل مقاومت می‌کردند و هیچ راهی برای همراه کردن آنها به دست نیامده بود رخ می‌داد.^{۲۳}

بعد از فوت ناصر، انور سادات، معاون اول ناصر به ریاست جمهوری رسید و از همان ابتدا دو جریان را با هم به پیش برد: یکی رها کردن شوروی

۲۳. جلال آل احمد، امیرتوکل کامبوزیا، آیه الله طالقانی، حاج آقا مصطفی خمینی ... اینها کسانی بودند که در طول سالیان قبل و بعد از ۱۹۷۰ میلادی باعث زحمت اسرائیل شده و باید به نحوی سر به نیست می‌شدند که لاف‌ل مرگشان اگر نه طبیعی بلکه مشکوک جلوه کند.

و بازگشتن به سوی آمریکا - در ژانویه ۱۹۷۲ میلادی - که در عین حال به معنی رد کردن مسیر قبلی ناصر و به نوعی همراه شدن با آمریکا و اسرائیل بود؛ و دیگری بازی کردن نقش یک قهرمان عرب به جای ناصر. در جنگ رمضان که در سال ۱۹۷۳ میلادی باید اجرا می‌شد؛ واقعه‌ای که ناصر نتوانسته بود آن را به سرانجام برساند حالا سادات با روکردن به آمریکا نشان می‌داد که موفق شده است. جالب است که شاه ایران و پادشاه سعودی به جای دشمنی شدید با ناصر اکنون با سادات، جان در یک قالب شده بودند. جنگ رمضان ابتدا با مثلاً «غافلگیری» اسرائیل و عبور از کانال سوئز و بازپس گرفتن صحرای سینا انجام شد اما در گرماگرم جنگ، سادات با خائن خواندن سران ارتش مصر و توقف جنگ، مانع ادامه آن شد.

بعد هم سران دولت‌های اسلامی با حمایت از او اکنون با سادات رفیق و همراه شده و کار این همراهی تا توافق کمپ دیوید هم رسید و به رسمیت شناختن اسرائیل منجر گردید.

در این داستان یک جریان دیگر هم رخ داد که نشانه چند وجهی بودن کل مسائل خاورمیانه و ارتباط آن با نفت بود که در بخش سوم به آن خواهیم پرداخت.

ج. در جهان

این بار همه کشورهای اسلامی صاحب نفت ظاهراً برای دفاع از مصر نفت خود را به سوی غرب بستند و زکی یمانی وزیر نفت سعودی به آمریکا رفته و در بحران داستان تبلیغاتی واترگیت^{۲۴} در مقابل نیکسون رئیس‌جمهور آمریکا با کیسینجر برای موضوع نفت به نحوی عمل کردند که اروپا و ژاپن شرایط کمیسیون سه جانبه راکفلر را پذیرفتند و اعتصاب نفت منتفی و ظاهراً مشکل انرژی در جهان حل شد ولی در واقع برای برقراری کمیسیون سه جانبه، امور هموار گردید.

کمیسیون سه جانبه طرح نظم نوین جهانی و حاکمیت آمریکا بر جهان بود که به وسیله راکفلر و برژینسکی و از درون شورای روابط خارجی آمریکا برای نظام واحد جهانی در زمینه سیاست و اقتصاد و فرهنگ طرح‌ریزی شده بود تا همه جهان در یک برنامه واحد تحت امر آمریکا - در ظاهر اما در واقع تحت امر

۲۴. نیکسون رئیس‌جمهور وقت آمریکا عضو حزب جمهوری‌خواه بود. در سال ۱۹۷۳ میلادی حزب دموکرات اسنادی را رو کرد که نشان می‌داد در زمان انتخابات - دو سال قبل - عوامل حزب جمهوری‌خواه دفتر و مقر حزب دموکرات را با ورود غیرقانونی و دزدی اسناد و در نهایت تقلب مسیر انتخابات را به نفع نیکسون پیش برده‌اند. این رخداد که با جریانی تبلیغاتی همراه شد به واقعه واترگیت معروف گردید و به نظر می‌رسد که درست در زمانی داغ شد که زکی یمانی وزیر نفت عربستان به آمریکا رفته و با کیسینجر وزیر امور خارجه آمریکا اعتصاب کشورهای عربی و مسلمان را مورد بررسی و حل و فصل قرار داد.

سرمایه‌داران یهودی - برنامه‌ریزی شود. در سال ۱۹۷۳ میلادی / ۱۳۵۲ شمسی جنگ ویتنام تمام شد.^{۲۵} چین که در ۱۹۷۱ عضو سازمان ملل شده بود در ۱۹۷۲ روابطش با آمریکا عادی شد؛ و نیکسون رئیس‌جمهور آمریکا از چین دیدار کرد. روسیه شوروی در مورد موشک‌های سالت با آمریکا به توافق رسید و عمده مسائل دنیای غرب و آمریکا حل و فصل شد! با کدام اهرم؟ با نفت کشورهای اسلامی و به اسم قهرمانی سادات به جای ناصر!

آیا می‌توان باور کرد که اینها جدای از هم و بی‌ارتباط با یکدیگر بوده و از قبل تنظیم و برنامه‌ریزی نشده است؟

در بین کشورهای مسلمان اما غیرعرب، پاکستان که - همزمان با تشکیل اسرائیل در ۱۹۴۸ از هند جدا شده بود - همیشه از آرمان فلسطین به شدت دفاع می‌کرد اما در سال ۱۹۷۱ میلادی / ۱۳۵۰ شمسی دو پاره پاکستان شرقی و غربی

۲۵. ویتنام برای رسیدن به آتش‌بس مراحل عجیبی طی کرد: کندی در اوایل دهه ۱۹۶۰ می‌خواست جنگ را محدود و جمع کند که ترور شد و معاونش لیندون جانسون، که در سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۸ به جای او نشست - تعداد سربازان آمریکایی را به ۵۰۰,۰۰۰ نفر و تجهیزات و وسایل جنگ را بسیار گسترش داد. در ۱۹۷۱ دخالت آمریکا در ویتنام به پایان رسید و در ۱۹۷۳ آتش‌بس اعلام شد و در ۱۹۷۵ سایگون، مرکز ویتنام جنوبی به دست ویت‌کنگ‌ها سقوط کرد و وان‌تیو به تایوان فرار کرد و ویتنام جنوبی به دست ویت‌کنگ‌ها افتاد و ویتنام یکپارچه - در ۱۹۷۶ - و در ۱۹۷۷ عضو سازمان ملل شد. اینها همه جزئی از مراسم نظم نوین جهانی آمریکا بود. (رجوع شود به دایرةالمعارف فارسی مصاحب؛ جلد ۳؛ صفحه ۳۱۹۷؛ ذیل عنوان ویتنام)

با هم درگیر شدند و کار به جدایی و تجزیه ختم گردید و «پاکستان» - نام بخش غربی - و بخش شرقی با نام «بنگلادش» به عنوان کشوری مستقل شناخته شد - ۱۹۷۳ میلادی / ۱۳۵۲ شمسی - و این وقایع همراه با جنگ رمضان و بعد هم کمیسیون سه جانبه و واترگیت بود.

در این ایام چند حادثه مهم دیگر هم در عرصه جهانی رخ داد. مثلاً در چین مائوتسه تونگ کشور پهناور و پرجمعیت چین را با نظام کمونیستی پیش برده و در ۱۹۶۲، آموزش و پرورش سوسیالیستی را در آن کشور همگانی کرد. تا ۱۹۶۶ در ظاهر کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تشکیل نمی شد و در ۸ اوت ۱۹۶۶ انقلاب بزرگ فرهنگی به راه افتاد و سازمان کمیته مرکزی تغییر یافت. در ۱۹۷۱ چین عضو سازمان ملل شد و در ۱۹۷۲ نیکسون به چین رفت تا روابط جدید غرب با چین را نمایش دهد. در ۱۹۷۳ علیه سنت پرستی و کنفوسیونیسیم حرکاتی در چین انجام شد.

از سوی دیگر در ویتنام هوشی مین - ۱۸۹۲ تا ۱۹۶۲ - بعد از جنگ جهانی دوم یعنی ۱۹۴۵ رئیس دولت موقت ویتنام شد و در سال بعد، جنگ آن کشور با فرانسه شروع گردید که تا ۱۹۵۴ ادامه داشت.^{۲۶}

۲۶. رجوع شود به جلد سوم دایرةالمعارف فارسی مرحوم دکتر غلامحسین مصاحب ذیل عنوان

«هوجی مین»

در اروپا در ۱۹۶۷ میلادی «بن برکه» در پاریس ربوده شد^{۲۷} و در مجامع اروپایی با عکس‌العمل‌های تندی روبرو گردید. ژنرال دوگل رئیس‌جمهور فرانسه از سال قبل یعنی ۱۹۶۶ تصمیم به جدایی از ناتو گرفته بود و به خارج شدن از زیر نفوذ آمریکا اصرار می‌ورزید. در عین حال با فعالیت‌های اتمی اسرائیل هم مخالفت می‌کرد. در ۱۹۶۷ مقدمات انتخابات مجلس فرانسه فراهم شد. در سال بعد شورش محصلین و کارگران اوج گرفت و در ۱۹۶۹ منجر به کناره‌گیری دوگل گردید و معلوم شد که حتی شخصیت قدرتمندی چون دوگل هنگامی که با منافع و مطامع یهودی‌ها و آمریکا و اسرائیل مخالفت می‌کند تا برکناری و سقوط سیاسی پیش می‌رود.



یکی از آثار جهانی، به خصوص در زمینه اجتماعی و فرهنگی تهیه و توزیع فیلم‌هایی است که در این ایام از طرف غرب ارائه می‌شد و به نظر می‌رسد که با وقایع این سال‌ها ارتباط دارد. توجه ویژه به سینما در میان پدیده‌های فرهنگی و هنری از آن جهت است که سینما نقش اصلی را در غرب برای هدایت افکار عمومی بازی می‌کند. وقتی یک حجم فراوان از آثار تصویری سینما در یک جهت مشخص پردازش می‌شود می‌توان دریافت که نظام تبلیغاتی و

۲۷. رجوع شود به «تاریخ معاصر کشورهای عربی»؛ نوشته: د.ر. فوبلیکوف (و گروه نویسندگان)؛ ترجمه: محمدحسین روحانی؛ انتشارات توس؛ چاپ ۱۳۶۷؛ جلد اول؛ صفحه ۶۳۸

رسانه‌ای غرب هم سهم خود را در جنگ عمومی و جهانی بین شرق و غرب دارد ایفا می‌کند.

نظام مدیریت اجتماعی غرب بیش از همه از تبلیغات و سینما و تلویزیون و وسایل تصویری استفاده می‌کند و لذا برای شناختن سمت و سو و جهت‌گیری آنها با نقد و بررسی فیلم‌های سینمایی که حاصل کار چند نفر معدود - تهیه‌کننده و نویسنده و کارگردان - است می‌توان استنباط کرد که یک اثر سینمایی با تیراژ وسیع و با کمک تدابیر صوتی و تصویری و رنگ و موسیقی و تکنیک‌های فنی، «یک ایده» را در سطحی وسیع و به اسم تفریح به خورد مردم بدهد.

در یک بررسی برای یک دوره بیست ساله - از ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ میلادی - بیش از ۱۱۰ فیلم سینمایی - غالباً محصول هالیوود - به وسیله کارشناسان بررسی شده و مهم‌ترین خصوصیات آنها مورد توجه قرار گرفته است. اما در میان همین عدّه حجیم آثار هنری-اجتماعی باز هم در یک محدوده بسته‌تر - سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۲ میلادی / ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۱ شمسی - که با موضوع مورد نظر ما منطبق است فقط ۲۳ فیلم از فیلم‌های مذکور انتخاب شده تا نشان داده شود که چگونه این فیلم‌ها با فضای مورد نظر غربی‌ها و مدیریت فرهنگی-اجتماعی آنها سازماندهی شده است. در ادامه، این فیلم‌ها با ذکر مختصر خصوصیات آنها مورد بررسی و اشاره قرار می‌گیرد :

نام فیلم	میلادی/شمسی	کارگردان	توضیحات
۱ دکتر ژیواگو	۱۳۴۴/۱۹۶۵	دیوید لین	این فیلم نمایش جامعه روسیه درگیر انقلاب در نیمه اول قرن بیستم در زمان استالین است. این فیلم در زمان ژنرال فرانکو در اسپانیا فیلمبرداری شد. تهیه‌کننده فیلم «کارلو پونتی» است و برای نمایش شهر مسکو یک ماکت ده هکتاری از آن شهر در حومه مادرید ساخته شد که شامل یک خیابان هشتصد متری سنگ فرش شده با اتومبیل‌ها و واگن برقی و ماکت کاخ کرملین و ... بود. سازنده موسیقی این فیلم «موريس ژار» و براساس رمانی از «بوريس پاسترناک» است. هزینه ساخت این فیلم ۱۱,۰۰۰,۰۰۰ دلار و درآمد فروش آن ۱۱۱,۰۰۰,۰۰۰ دلار

				آمریکا است. گفتنی است در کل بیش از ۲۴۸,۰۰۰,۰۰۰ نفر-بلیط فروخته شده است.
۲	اشک‌ها و لبخندها	۱۳۴۴/۱۹۶۵	رابرت وایز	این فیلم با نام اصلی «آوای موسیقی» در زمان خود تا چند سال پرفروش‌ترین فیلم بود و رکورد فروش گیشه در بیست و نه کشور را شکست. داستان فیلم سرگذشت یک راهبه جوان است که صومعه را ترک کرده و فرزندان یک افسر ارتش را سرپرستی و پس از چندی با وی ازدواج می‌کند و به علت بعضی مشکلات اجتماعی همه خانواده به آمریکا می‌روند. فیلم با نمایش از هم پاشیدگی خانواده و ارتش به شکل موزیکال و پرجاذبه فرهنگ آزاد آمریکا را تبلیغ می‌کند. هزینه فیلم بیش از

				۸,۰۰۰,۰۰۰ دلار و فروش گیشه بیش از ۲۸۶,۰۰۰,۰۰۰ دلار است. در دوبله فارسی، آخرین تلاش ممکن برای ترجمه و جاگذاری کلام و موسیقی انجام شده و به زعم برخی اهل فن پرهزینه‌ترین دوبله فیلم با بیشترین عوامل تولید و بهترین در تاریخ دوبله ایران می‌باشد.
۳	به خاطر چند دلار بیشتر	۱۳۴۴/۱۹۶۵	سرجیو لئونه	فیلمی وسترن و داستان یک انتقام. توجه شود که در اندیشه نژادپرستانه غربی-یهودی «انتقام» نقشی اساسی دارد و بالطبع موضوع بسیاری از فیلم‌ها انتقام است آن هم به شدیدترین شکل ممکن.
۴	خوب، بد، زشت	۱۳۴۵/۱۹۶۶	سرجیو لئونه	فیلم وسترن و نژادپرستانه با چاشنی پول و خشونت

۵	کتاب آفرینش	۱۳۴۵/۱۹۶۶	جان هیوستون	داستان پیدایش براساس عهد عتیق با هنرپیشه‌های فراوان و مشهور از قبیل : جرج سی اسکات، پیتر اتول، ریچارد هریس، فرانکو نرو، اوا گاردنر، جان هیوستون و ...
۶	چه کسی از ویرجینیا وولف می‌ترسد؟	۱۳۴۵/۱۹۶۶	مایک نیکولز	داستان خیانت و فروپاشی خانواده
۷	نبرد الجزایر	۱۳۴۵/۱۹۶۶	جیلو پونته کوروو	توصیف انقلاب الجزایر که در متن کتاب به آن اشاره شد. در ضمن این فیلم برای آموزش جنگهای چریکی بسیار مفید است.
۸	کتاب جنگل	۱۳۴۶/۱۹۶۷	والث دیزنی	این اثر براساس نوشته «رادیارد کیپلینگ» نویسنده انگلیسی ساکن هند ساخته شده و داستان به شکل پویانمایی درباره پرورش

				و آموزش فراماسونری است و حیوانات مختلف جنگل به شکل سمبولیک نقش‌های مختلف را ایفا می‌کنند. در سال‌های اخیر نسخه‌های پرهزینه و چشم‌نواز این فیلم نیز توسط شرکت‌های هالیوودی-یهودی از جمله والت دیزنی ساخته شده است.
۹	بانی و کلاید	۱۳۴۶/۱۹۶۷	آرتور پن	این فیلم براساس ماجرای واقعی یک زوج جوان در دزدی بانک، تصویر شده است. شایان ذکر است که در زمان نمایش فیلم رکود بزرگ اقتصادی بر غرب حاکم بود. به نظر منتقدین، این فیلم یکی از مهمترین آثار آنارشیستی تاریخ سینما محسوب می‌شود. هزینه فیلم ۲,۵۰۰,۰۰۰ دلار و فروش آن ۷۰,۰۰۰,۰۰۰ دلار.

۱۰	در گرمای شب	۱۳۴۶/۱۹۶۷	نورمن جویسون	فیلم پلیسی و نژادی و گویا در پی آشتی دادن این دو مقوله با هم و برنده جوایز بسیار. نقش قهرمان سیاه پوست در این فیلم بسیار هوشمندانه و قوی و هنرمندانه است گویی نژاد سیاه و سفید را می خواهد هم تراز جلوه دهد. هزینه فیلم ۲,۰۰۰,۰۰۰ دلار و فروش آن تقریباً ۲۵,۰۰۰,۰۰۰ دلار. حضور گسترده سیاه پوستان برای تماشای فیلم در فروش بالای آن مؤثر بود.
۱۱	فارغ التحصیل	۱۳۴۶/۱۹۶۷	مایک نیکولز	داستان فروپاشی خانواده
۱۲	مردی برای تمام فصول	۱۳۴۶/۱۹۶۷	فرد زینمان	بر اساس زندگی «سر توماس مور» که آن را می توان در دایرةالمعارف فارسی مصاحب جلد ۳ صفحه ۲۸۸۸ ستون ۳ ملاحظه کرد.

۱۳	اُدیسه فضایی	۱۳۴۷/۱۹۶۸	استنلی کوبریک	استنلی کوبریک اهل فلسفه با نمایش این فیلم و برخی فیلم‌های دیگرش، قدرت علمی غرب و شروع پیشرفت‌های فضایی آن را به نمایش درآورده است. به نظر می‌رسد در ذهن وی پیشرفت علمی و امید به حل گرفتاری‌ها با حذف دین از زندگی مردم، فروپاشی خانواده و برهم زدن نظام اجتماعی می‌تواند و چه بسا باید جبران شود.
۱۴	روزی روزگاری در غرب	۱۳۴۷/۱۹۶۸	سرجیو لئونه	وسترن ایتالیایی به سبک دو فیلم قبلی همین کارگردان که در بالا ذکر شد و به عنوان «سه‌گانه وسترن اسپاگتی» مشهور است.
۱۵	دختر شوخ	۱۳۴۷/۱۹۶۸	ویلیام وایلر	برنده جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش اوّل زن توسط باربارا استرایسند-یهودی-شد.

۱۶	بوچ کسیدی و ساندنس کید	۱۳۴۸/۱۹۶۹	جرج روی هیل	نویسنده فیلمنامه «ویلیام گولدمن» که در گونه وسترن با سبکی نوین است. هزینه فیلم ۷,۰۰۰,۰۰۰ دلار و فروش آن ۱۰۲,۰۰۰,۰۰۰ دلار.
۱۷	ایزی رایدر	۱۳۴۸/۱۹۶۹	دنیس هوپر	به تضادهای میان اندیشه‌های آزاد و سنت شکن نسل جوان با افکار سنتی و روستایی آمریکایی می‌پردازد و نخستین فیلمی بود که از جنبش اعتراضی هپی‌ها سرچشمه می‌گرفت. فیلم بسیار کم‌خرج و بسیار پربیننده بود. هزینه فیلم ۴۰۰,۰۰۰ دلار و فروش آن ۶۰,۰۰۰,۰۰۰ دلار.
۱۸	این گروه خشن	۱۳۴۸/۱۹۶۹	سم پکینپا	یک فیلم وسترن به عنوان یک اثر «آنتی وسترن». سال ۱۹۱۴ در تگزاس و به وسیله چند هفت تیرکش ماهر سرقتی رخ می‌دهد و کشتاری بی‌رحمانه صورت می‌گیرد.

۱۹	دنباله‌رو	۱۳۴۹/۱۹۷۰	برناردو برتولوچی	یادآوری دوران فاشیسم
۲۰	روز شغال	۱۳۴۹/۱۹۷۰	فرد زینمان	بعد از استقلال الجزایر و تلاش برای ترور ژنرال دوگل توسط فرمانده‌های ارتش
۲۱	ارتباط فرانسوی	۱۳۵۰/۱۹۷۱	ویلیام فریدکین	از کتابی به همین نام نوشته «رابین مور». به زعم برخی «رسانه‌های معتبر سینمایی»: «هشتمین فیلم هیجانی و دلهره‌آور تمام دوران‌ها» و «بهترین فیلم پلیسی تاریخ سینما». هزینه فیلم ۱,۸۰۰,۰۰۰ دلار و فروش آن ۷۵,۰۰۰,۰۰۰ دلار.
۲۲	پرترتال کوکی	۱۳۵۰/۱۹۷۱	استنلی کوبریک	به نویسندگی خود کارگردان. تصویر خشن و ناراحت‌کننده از جنون یک گروه خلافکار جوان و یک نوجوان بزه‌کار جامعه‌گریزو روان‌درمان‌گرانی

				روان‌پریش. نقد جامعه روسیه و ایضاً اثر سمفونی نهم گُرال بتهوون در ایجاد جنایت و تربیتِ نسلِ جدیدِ سرکش و وحشی و جامعه‌ای فرو ریخته و از هم پاشیده و روانی. به نظر می‌رسد استنلی کوبریک می‌خواهد جامعه سوسیالیستی شوروی استالینی را همراه با فرهنگ آلمانی هیتلری و آثار تربیتی-اجتماعی آن محکوم و مردود بنمایاند. شایان ذکر است که شعر سمفونی نامبرده که سروده «فریدریش شیلر» است مضمونی اخلاقی دارد.
۲۳	ویولن زن روی بام	۱۳۵۰/۱۹۷۱	نورمن جويسون	شرح حال یک خانواده یهودی در روسیه تزاری در حال انقلاب ۱۹۱۷ و ازدواج سه دختر این خانواده یکی

				پس از دیگری که دختر سوم چون با یک روس انقلابی غیریهودی ازدواج می‌کند مطرود پدر خانواده می‌گردد. در توضیح اسم فیلم گفته شده است حفظ نژاد یهودی مانند ویولن زدن روی بام است. ضمناً تمام عوامل فیلم یهودی و فیلمنامه برگرفته از رمان «شولم علیخیم» می‌باشد. هزینه فیلم ۹,۰۰۰,۰۰۰ دلار و فروش آن ۱۵,۰۰۰,۰۰۰ دلار
۲۴	پدرخوانده	۱۳۵۱/۱۹۷۲	فرانسیس فورد کاپولا	داستان «مافیا» بعد از جنگ جهانی دوم و جزئیات ظهور و سقوط عوامل آن. هزینه فیلم ۷,۰۰۰,۰۰۰ دلار و فروش آن ۲۸۰,۰۰۰,۰۰۰ دلار.

جمع‌بندی :

در این مجموعه موارد زیر گویی به بیننده القا می‌شود :

۱. نقد و طرد جوامع فاشیستی و استالینیستی.
۲. نمایش نسل جدید و جوان با آزادی‌طلبی حتی وحشی و بی‌مهار.
۳. فروپاشی خانواده.
۴. فروریزی نظم قدیم جامعه در زمینه قدرت و ارتش و سنت و ...
۵. نمایش علم و پیشرفت و پردازش زمینه‌های اجتماعی جدید و غیرقابل کنترل.
۶. از دست رفتن اخلاق و دین و نظم و فرهنگ و بروز نیازهای بشری در زمینه آزادی‌های بی‌حدومرز. قابل توجه است که در بین بیش از ۱۱۰ فیلم مورد بررسی حتی یک فیلم با مضمون اخلاقی یا توصیه انسانی وجود ندارد.
- آیا این تضادفی است؟! ...
۷. ...

آیا اینها حاصل پیروزی اسرائیل در جنگ شش روزه و پیش‌بینی یک جامعه جهانی بر اساس اندیشه نژادی یهود سرمایه‌دار و توده‌های عظیم مردم غیریهودی بی‌دانش و نافهم در حد حیوانات نیست؟

آنچه ذکر شد منتخبی از فیلم‌های غربی با پخش جهانی بود. اما ضروری است درباره فیلم‌های سینمایی ایران هم اشاره‌ای بشود.

سال ۱۳۴۱ شمسی فیلم «خانه سیاه است» درباره جذامیان تبریز به کارگردانی فروغ فرخزاد و تهیه‌کنندگی ابراهیم گلستان ساخته شد. داستان فیلم روایتی است غم‌انگیز و مصیبت‌بار از این طردشدگان جامعه و روزمرگی زندگی آنان. جاناناتان رُزنام، منتقد مشهور آمریکایی، این فیلم را بزرگترین فیلم سینمایی ایران نامیده است.

سال ۱۳۴۳؛ «خشت و آینه» به کارگردانی ابراهیم گلستان که در دی ماه سال ۱۳۴۴ - همزمان با تأسیس کانون پرورش فکری - نمایش داده شد. در این فیلم از موسیقی متن استفاده نشده است. این اثر سینمایی آغازگر سینمای موج نو در ایران است و اولین فیلم با صدای سرصحنه. داستان بچه‌های سرراهی در شیرخوارگاه‌ها و مراکز نگهداری اینگونه بچه‌ها و طبعاً توجه به آینده‌شان.

سال ۱۳۴۴؛ «گنج قارون» ساخته سیامک یاسمی با شرکت فردین و فروزان و ظهوری و استفاده از صدای ایرج با آهنگ‌های عوامانه کوچه بازاری، که بسیار هم مشهور شد و فیلم پرفروشی هم بود. ظاهراً شروع فیلم‌های «آبگوشی».

سال ۱۳۴۷؛ «سلطان قلب‌ها»؛ با شرکت فردین و صدای عارف. فیلمی عاشقانه. برخی آن را مشهورترین فیلم سینمای ایران نام داده‌اند.

سال ۱۳۴۷؛ «کندو»؛ به کارگردانی فریدون گله با بازی بهروز وثوقی و داود رشیدی و رضا کرم رضایی. داستان یک زندانی تازه آزاد شده ...

سال ۱۳۴۸؛ «گاو»؛ به کارگردانی داریوش مهرجویی و نویسندگی غلامحسین ساعدی - براساس داستان عزاداران بَکَل - اوّلین فیلم فارسی که در غرب و اروپا مورد توجّه و تحسین قرار گرفت و در جشنواره‌های کن و برلین و مسکو و لندن و لس‌آنجلس و ... به نمایش درآمد. داستان زندگی یک روستایی پس از مرگ گاوش. با بازی عزت الله انتظامی و علی نصیریان و ...

سال ۱۳۴۸؛ «قیصر»؛ به کارگردانی مسعود کیمیایی و بازی بهروز وثوقی و ناصر ملک مطیعی و جمشید مشایخی و با داستان انتقام ناموسی در میان لوطی‌ها و جاهل‌ها.

سال ۱۳۴۸؛ «حسن کچل»؛ ساخته علی حاتمی. داستان عاشقانه‌ای براساس افسانه‌های کهن و فرهنگ عامیانه و اوّلین فیلم «موزیکال» ایران. برخی آن را بهترین فیلم عاشقانه قبل از انقلاب دانسته‌اند.

سال ۱۳۴۹؛ «آقای هالو» اثر داریوش مهرجویی و علی نصیریان. داستان زندگی یک شهرستانی پس از سفر به تهران و پر از طعن و کنایه از روحیات و زندگی تهران‌نشینان با لحن طنز و گلایه.

سال ۱۳۴۹؛ «رضا موتوری»؛ به کارگردانی مسعود کیمیایی و بازی بهروز وثوقی. خروج دیوانه‌ای از تیمارستان و قرار گرفتن به جای نویسنده‌ای شبیه خود ... به نوعی نقد روشنفکران و نویسندگان.

سال ۱۳۴۹؛ «طوقی»؛ کاری از علی حاتمی با بازی بهروز وثوقی شامل داستان عاشقانه پنهانی و زندگی «خان دایی = ناصر ملک مطیعی» و کبوتر بازی و ...

سال ۱۳۴۹؛ «آرامش در حضور دیگران»؛ به کارگردانی ناصر تقوایی. چنان فیلمی که تا سال ۱۳۵۱ توقیف بود^{۲۸} و پس از نمایش محدودی در جشن هنر شیراز بایگانی شد. سرانجام در سال ۱۳۵۲ در «سینما کاپری» نمایش داده شد و با «استقبال تماشاگران» روبرو گردید و «در نظرسنجی منتقدان و نویسندگان ماهنامه سینمایی فیلم به عنوان بهترین فیلم در تاریخ سینمای ایران» انتخاب شد. این فیلم براساس «واهمه‌های بی نام و نشان» نوشته غلامحسین ساعدی ساخته شده بود.

سال ۱۳۵۰؛ «دش آکل»؛ با نویسندگی و کارگردانی مسعود کیمیایی و با اقتباس از کتاب «سه قطره خون» صادق هدایت. داستان عشق و نفرت بین دو لوطی شیرازی.

۲۸. مطابق اسناد ساواک تا این ایام فیلم‌های مستهجن به وسیله ساواک کنترل و ممنوع می‌شد اما آرام آرام در سال‌های بعد اینگونه فیلم‌ها به نمایش گذاشته می‌شد. کتاب «ساواک» نوشته مظفر شاهی؛ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی؛ ۱۳۸۶

سال ۱۳۵۰؛ «درشکه‌چی»؛ با نویسندگی و کارگردانی نصرت کریمی.

سال ۱۳۵۰؛ «فرار از تله»؛ فیلمی «اکشن» و عاشقانه نوشته جلال مقدم با کارگردانی خود او؛ خلافتکاری و زندان و سرقت و دوباره خلافتکاری و تعقیب و گریز و شلیک اسلحه و ...

سال ۱۳۵۱؛ «رگبار»؛ کار بهرام بیضایی؛ این فیلم بهترین اثر بیضایی شناخته شده؛ با بازی پرویز فنی زاده و پروانه معصومی و داستان مدرسه و عشق و رقابت و ...

سال ۱۳۵۱؛ «صادق گرده»؛ که نویسنده و کارگردانش ناصر تقوایی است. داستان تجاوز و جنایت و قتل و ...

سال ۱۳۵۱؛ «صبح روز چهارم»؛ با نویسندگی و کارگردانی کامران شیردل؛ داستان دعوا و قتل و عشق و ...

سال ۱۳۵۲؛ «تنگسیر»؛ به کارگردانی امیر نادری براساس داستانی با همین نام از صادق چوبک. ستم و انتقام و ...

سال ۱۳۵۲؛ «سازدهنی»؛ کارگردان : امیر نادری. رقابت و علاقه بچه‌ها به سازدهنی و دیگر قضاها.

سال ۱۳۵۲؛ «تنگنا»؛ به کارگردانی امیر نادری. برخی منتقدان و نویسندگان سینمایی آن را بهترین فیلم تاریخ سینما می دانند. داستان بیلاردباز و مسابقه و قمار و قتل و ...

سال ۱۳۵۳؛ «مسافر»؛ کار عباس کیارستمی. دانش آموز عاشق فوتبال و تهیه پول از راه نادرست برای رفتن به تهران و تماشای مسابقه پرسپولیس اما خواب ماندن و نرسیدن به مسابقه و حضورش در استادیوم خالی.

سال ۱۳۵۳؛ «گوزن‌ها»؛ به نویسندگی و کارگردانی مسعود کیمیایی و بازی بهروز وثوقی و فرامرز قریبیان.

سال ۱۳۵۳؛ «دایره مینا»؛ از داریوش مهرجویی و اقتباس از داستان «آشغال‌دونی» غلامحسین ساعدی.

سال ۱۳۵۳؛ «اسرار گنج درّه جَنّی»؛ کاری از ابراهیم گلستان؛ انتقاد به سیاست‌های رژیم پس از جشن‌های ۲۵۰۰ ساله و توقیف آن.

سال ۱۳۵۳؛ «شازده احتجاب»؛ از بهمن فرمان آرا با اقتباس از کتاب هوشنگ گلشیری به همین نام.

سال ۱۳۵۴؛ «طبیعت بی جان»؛ اثر سهراب شهید ثالث. داستان زندگی یک سوزن‌بان راه آهن و خبر بازنشستگی او.

چنانکه ملاحظه می‌شود در ایران هم از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۳ اولاً هر سال به تعداد فیلم‌ها اضافه شده اما - ثانیاً - موضوعات آن «عموماً» شهوترانی و قتل و درگیری و فقر و بدبختی است یعنی نمایش وضع اجتماعی، البته با بزرگ‌نمایی و لزوم تغییر در وضع جامعه و به نوعی شکلی از انقلاب؛ اما انقلاب روشنفکری و «سفید» و مادی و درحالیکه تقریباً هیچ اثری از اخلاق و انسانیت و گذشت و دین نیست.

نکته دیگر اینکه در تمام این سال‌ها تولیدکنندگان و برگزارکنندگان این فیلم‌ها یک عده معدود نویسنده و کارگردان و هنرپیشه «معلوم‌الحال» هستند.

آیا اینها کنترل‌شده و هدایت‌شده به وسیله مراجع و مراکز فرهنگی و دولتی و تحت نظر «ملکه اخلاق و انسانیت» نیست؟

نگاهی به متن درس‌های ولایت فقیه

اکنون لازم است نگاهی به متن کتاب «حکومت اسلامی» امام خمینی قدس سرّه بیندازیم - که همان درس‌های ولایت فقیه ایشان در نجف است و در سال ۱۳۴۸ شمسی - تا ابعاد تازه‌ای از نظر ایشان را راجع به اسلام و دشمنان آن بشناسیم؛ ابعادی که گویا به عمد کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

سطور ابتدای این درس‌ها با توضیح و تأکید بر مفهوم ولایت فقیه اشاره دارد که ولایت فقیه مطلب تازه‌ای نیست و از ایّام قدیم به وسیله علمای اسلام بر آن اصرار می‌شده است.

بلافاصله بعد از این تذکر و در همان خطوط ابتدایی امام می‌گویند:

«نهضت اسلام در آغاز گرفتار یهود شد و تبلیغات ضد اسلامی و دسائس فکری را نخست آنها شروع کردند و بطوریکه ملاحظه می‌کنید دامنه آن تا به حال کشیده شده است. بعد از آنها نوبت به طوایفی رسید که به یک معنی شیطان‌تر از یهودند. اینها به صورت استعمارگر از سیصد سال پیش یا بیشتر به کشورهای اسلامی راه پیدا کردند و برای رسیدن به مطامع استعماری خود لازم دیدند که زمینه‌هایی فراهم سازند تا اسلام را نابود کنند. قصدشان این نبود که مردم را از اسلام دور کنند یا نصرانیّت نُصّحی بگیرد؛ چون اینها نه به نصرانیّت اعتقاد داشتند و نه به اسلام. لیکن در طول این مدّت و در اثنای جنگ‌های صلیبی احساس

کردند آنچه سدّی در مقابل منافع مادی آنهاست و منافع مادی و قدرت سیاسی آنها را به خطر می‌اندازد اسلام و احکام اسلام است و ایمانی که مردم به آن دارند. پس به وسایل مختلف بر ضدّ اسلام تبلیغ و دسیسه کردند.»

چرا حضرت امام این‌گونه صریح و قاطع دشمن اصلی اسلام و مسلمانان را «یهود» تلقی می‌کنند؟ در حالیکه در آن ایّام سال‌های ۱۳۴۸ شمسی دشمنِ رو در رو و مشخص انقلاب اسلامی، رژیم پهلوی و شخص شاه بود و در خارج کشور هم دشمنِ کمربسته اسلام و انقلاب، آمریکا است. به جای همه اینها امام، یهود را به عنوان دشمن اصلی که از ابتدای شروع اسلام فعالیت می‌کرد معرفی می‌کنند.

در صدر اسلام هم انواع دشمن‌ها از منافقین و قدرت‌طلبان و مشرکین و بت‌پرستان و دیگران صف بسته‌اند اما ما - کسانی که در حد معمول تاریخ اسلام را می‌شناسیم - کمتر به یادمان می‌افتد که دشمن اصلی، یهود است.

در قرآن کریم - سوره مائده آیه ۸۲ - خداوند می‌فرماید: **لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا** ... «دشمن‌ترین دشمنانِ مؤمنین را یهودی‌ها می‌یابی و کسانی از مشرکین»

این تصریح درباره دشمنی یهود در قرآن کریم بسیار متعدّد و متنوّع است - که بعد به آن خواهیم پرداخت - بنابراین طبیعی است که امام، تربیت یافته قرآن

همین راه درست را برود. در نوشته‌های قبلی و بعدی حضرت امام هم خصوصیات خلقی و شخصیتی یهود را می‌توان یافت مثلاً در کتاب «چهل حدیث» آمده است.

امام (ره) در کتاب «چهل حدیث» می‌فرماید :

«ملت یهود با آنکه در دنیا به نسبت جمعیت خود متمول و با ثروت‌ترین تمام سکنه ارض هستند، مع‌ذلک ذلت و مسکنت و فقر و فاقه از چهره آنها ظاهر و تمام مدت عمر را با زحمت و خواری و عجز و بی‌نوایی به سر می‌برند. این نیست مگر همان فقر قلبی و ذلت روحی.»^{۲۹}

همچنین در مجموعه سخنان امام در طول نهضت - کتاب «صحیفه امام» - بسیار مکرر و متعدد به سخنان امام درباره یهود برمی‌خوریم؛ از اولین سخنرانی امام در سال ۱۳۴۱ شمسی - که در صحیفه نقل شده - تا دیگر سخنان ایشان از همان ابتدا تا پیروزی انقلاب و در طول انقلاب تا رحلت آن مرد الهی.^{۳۰}

۲۹. چهل حدیث؛ حضرت امام خمینی (قدس سره)؛ مرکز نشر فرهنگی رجاء؛ چاپ دوم؛ ۱۳۶۸؛

صفحه ۲۱۹

۳۰. برای دیدن حجم وسیع این سخنان و کیفیت معانی آنها می‌توان با کمک جلد ۲۲ صحیفه امام ذیل کلمات یهود، بنی اسرائیل، فلسطین، اسرائیل و ... رجوع کرد.

و امروز هم نه فقط دشمن اصلی انقلاب اسلامی، اسرائیل است بلکه همراهان صهیونیست‌ها در ایران هم فراماسون‌ها و بهائیان، زاده‌ها و محصولات یهودیند و در خارج هم از آمریکا گرفته تا شوروی مارکسیست زاده‌ی مارکس و یهودی‌پرستان تا سعودی وهابی ضد شیعه هم، دست‌ساز انگلیس یهودزده است. علاوه بر اینها تمامی منابع مالی دنیا، نظام سرمایه‌داری، مراجع و منابع اطلاعاتی و امنیتی و ... و بالاتر از همه منابع و مأخذ روابط عمومی و فرهنگی هم تحت سیطره و فرمان یهودی‌هاست؛ یهود نژادپرست و مادی و دنیاطلب که با تدابیر عجیب و با سابقه چندین قرن، در پی حکومت بر دنیاست و نه فقط اسلام.

امام در کتاب «حکومت اسلامی» و درس ولایت فقیه می‌نویسند^{۳۱} :
 «مخصوصاً در شرایط کنونی که سیاست‌های استعماری و حکام ستمگر و خائن و یهود و نصارا و مادیون در تحریف حقایق اسلام و گمراه کردن مسلمانان تلاش می‌کنند ... امروز می‌بینیم که یهودی‌ها - خَذَلَهُمُ اللَّهُ - در قرآن تصرف کردند و در قرآن‌هایی که در مناطق اشغالی چاپ کرده‌اند تغییراتی داده‌اند. ما موظفیم تا از این تصرفات خائنانه جلوگیری کنیم. باید فریاد زد و مردم را متوجه کرد تا معلوم شود که یهودی‌ها و پشتیبان‌های خارجی آنها کسانی هستند که با اساس اسلام مخالف هستند و می‌خواهند که حکومت یهود در دنیا تشکیل دهند

۳۱. حکومت اسلامی؛ چاپ سوم در نجف اشرف؛ ص ۱۷۵

و چون جماعت موذی و فعّالی هستند می‌ترسم نعوذ بالله روزی به مقصد برسند و سستی بعضی از ما باعث شود که یک وقت حاکم یهودی بر ما حکومت کند.»



آنچه در این مجموعه ذکر شد به روشنی نشان می‌دهد که در دهه ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ شمسی هم در ایران و هم در خاورمیانه و هم در جهان یک جریان واحد به دنبال سیطره و سلطه، همه عوامل مختلف و متفاوت را جمع کرده و یک مدیریت واحد و یکپارچه در پی ایجاد نظم مورد نظر خود بوده است. کما اینکه بعد از این ایّام هم آن جریان سلطه‌جو تا ایجاد «نظم نوین جهانی» پیش رفت.

در این شرایط حضرت امام قدس سرّه اولاً تصمیم گرفتند که نظام شاهنشاهی و سلسله پهلوی باید از این مملکت ریشه‌کن شده و دیگر هیچ ملاحظه‌کاری و مجامله و نصیحت و مدارا فایده ندارد؛

ثانیاً جایگزین نظام موجود باید یک نظام اسلامی باشد براساس اصل اساسی ولایت فقیه؛

ثالثاً قدم اوّل برای این کار طرح موضوع برای عموم علما و اندیشمندان و دانستن حد و مرز آن و لوازم جایگزینی و استقرار آن است.

بنابراین در بهمن ماه ۱۳۴۸ شمسی ایشان «درس‌های ولایت فقیه و حکومت اسلامی» را در نجف اشرف و در مسجد شیخ انصاری در بازار حویش شروع کرده و با بررسی دقیق و همه‌جانبه، آن را ادامه دادند. عجیب آنکه در آن شرایط با وضعی که رژیم پهلوی داشت و جریاناتی که در خاورمیانه و اسرائیل و در دنیا و آمریکا می‌گذشت هیچ نشانه‌ای از امکان توفیق و جافتادن این اندیشه وجود نداشت اما حضرت امام با قدرت روحی و اراده قوی کاری را که شروع کرده بودند ادامه داده و شاگردان ایشان هم با همه وجود، ایشان را همراهی کردند.

و ما امروز این همه را، همچون معجزه‌ای الهی نگاه می‌کنیم و با حیرت و تعجب توفیق این مسیر را - که با توفیقات مکرر دیگر دنبال می‌شد - به چشم می‌بینیم. این نگاه باید برای ما آثار واضح و قطعی را به همراه داشته باشد :

۱. سخنان و اندیشه‌ها و تصمیم‌گیری‌های حضرت امام را با دیدی جدی بشنویم و ببینیم و مورد نظر قرار دهیم و متوجه باشیم که اینها سخنان و اندیشه‌های یک فرد معمولی نیست و پشتوانه‌ای الهی و غیبی دارد.

۲. به پیش‌بینی‌ها و راه و مسیری که امام ترسیم کرده‌اند با نگاه جدید و با عنایت بنگریم و بدانیم که اینها مطالب احساسی و شعارهای زودگذر معمولی نیست. آن روز که امام گفتند : «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند»

و «این قرن، قرن غلبه مستضعفین بر مستکبرین است» این عبارات عادی و معمولی نبود و آنچنان که تاکنون به عینه می‌بینیم عملی شده و بعد از این هم کامل تر می‌شود و موارد دیگری از این قبیل هم عملی و قابل دسترس است.

۳. ولذا توصیه‌ها و دستورات امام را - نه فقط در حد یک دستور اخلاقی و اعتقادی و سیاسی و واجب شرعی - بلکه در اندازه و مسیر راه سیاسی و معرفتی و برنامه‌ریزی و خط‌سیر پیش‌رو مورد توجه قرار داده و به آنها مقیداً عمل کنیم.

چیزی که در این مسیر به شدت ما را و راهمان را تأیید و تثبیت می‌کند شیوه و عمل مقام معظم رهبری است که درست در همان راه، استمرار یافته و همان خصوصیات را دارد که بررسی آن مجال و فرصت دیگری را می‌طلبد.

مکرر این صحنه را دیده‌ایم که نواری از امام از سال‌های ابتدای انقلاب پخش می‌شود و می‌بینیم گویی دقیقاً همین امروز به وسیله آن بزرگوار بیان شده و در عین حال عیناً همان مطالب را رهبر معظم انقلاب هم تکرار می‌کنند.

حال برای بررسی دقیق‌تر سخنان امام باید برگردیم و همان درس‌های ولایت فقیه را دوباره و با نگاهی جدید مورد توجه قرار بدهیم و جستجو کنیم که آیا در آنها مطلب تازه‌ای هست که مورد غفلت واقع شده باشد.

حضرت امام قدس سرّه در شروع درس می‌گویند: «موضوع ولایت فقیه فرصتی است که راجع به بعضی امور و مسائل مربوط به آن صحبت می‌شود. ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصوّر آن موجب تصدیق می‌شود و چندان به برهان احتیاج ندارد...»

پس از این مقدمه امام به توطئه‌چینی و دشمنی یهود اشاره می‌کند - که قبلاً ذکر شد - و می‌گویند: «تمام اینها نقشه‌هایی است که از چند صد سال پیش کشیده شده و به تدریج دارند اجرا می‌کنند و نتیجه می‌گیرند ... نقشه آن است که ما را عقب‌مانده نگه دارند و به همین حالی که هستیم و زندگی نکبت‌باری که داریم نگه دارند تا بتوانند از سرمایه‌های ما، از مخازن زیرزمینی و منابع و زمین‌ها و نیروی انسانی ما استفاده کنند. می‌خواهند که ما گرفتار و بیچاره بمانیم، فقرای ما در همین بدبختی بمانند و به احکام اسلام که مسئله فقر و فقرا را حل کرده است تسلیم نشوند و آنان و عمالشان در کاخ‌های بزرگ بنشینند و آن زندگانی مرفّه و کذایی را داشته باشند.»^{۳۲}

«... همانطور که آنها بر ضدّ شما اسلام را بد معرفی کردند شما اسلام را آنطور که هست معرفی کنید، ولایت را چنانکه هست معرفی کنید ... مبارزه در راه تشکیل حکومت اسلامی لازمه اعتقاد به ولایت است. شما قوانین اسلام

و آثار اجتماعی و فواید آن را بنویسید و نشر کنید. روش و طرز تبلیغ و فعالیت خودتان را تکمیل کنید. توجّه داشته باشید که شما وظیفه دارید حکومت اسلامی تأسیس کنید. اعتماد به نفس داشته باشید و بدانید که از عهده این کار بر می‌آیید. استعمارگران از ۳۰۰، ۴۰۰ سال پیش زمینه تهیّه کردند، از صفر شروع کردند تا به اینجا رسیدند. ما هم از صفر شروع می‌کنیم. از جنجال چند نفر غربرده و سرسپرده نوکرهای استعمار هراس به خود راه ندهید.^{۳۳}

چنانکه ملاحظه می‌شود متن درس و کتاب، توضیح کامل و دقیق بحث ولایت فقیه است ولی جا به جا دشمن اصلی اسلام به صراحت نام برده می‌شود. ایضاً ضروری است که بدانیم اشاره مکرّر امام در مورد عوامل استعمار در «۳۰۰، ۴۰۰ سال» اخیر و افراد «غربرده عامل استعمار» اشاره به فراماسون‌هاست که از سه چهار قرن قبل در انگلیس تربیت و سازمان‌دهی شدند و در قرن هجدهم از یک‌سو با تألیف «دایرةالمعارف» دیدرو و دالامبر و ترویج اندیشه مادّی و غیرالهی کوشیدند تا به اسم علم - یعنی علم تجربی - زیرآب دین را بزنند و از سوی دیگر با راه انداختن لژهای متعدّد در شهرها و کشورهای مختلف اساس اجتماعی جوامع را زیر و رو کنند که کردند. پنجاه شصت سال بعد - در اواخر قرن هجده - در فرانسه «انقلاب کبیر» را راه انداختند و در آمریکا - در همان ایّام - بنیاد ایالات متحده را محکم کردند و به وسیله

جرج واشنگتن استاد اعظم فراماسونری کشور آمریکا را تأسیس کردند و در انگلستان با کارخانجات نساجی انقلاب صنعتی درست کردند - و هر سه این جریانات در عرض ۲۰، ۳۰ سال - و در عین حال کشورهای تحت استعمار - و خصوصاً اسلامی - را زیر سیطره نظام سرمایه‌داری صنعتی و بانکی، تحت انقیاد درآوردند. مدیریت تمامی این جریانات هم اکثراً در اختیار سرمایه‌داران یهودی بود.^{۳۴}

از سوی دیگر، باید توجه کرد که در آن سال‌ها امام فقط به یک دشمن اصلی - که همه دیگران، دنباله‌ها و عوامل آن دشمن اصلی هستند - اشاره می‌کنند کما اینکه در صدر اسلام هم منافقین و مشرکین و بت‌پرستان و زراندوزان و قدرت‌طلبان، دشمنان رنگارنگ اسلام نوپا بودند ولی امام به آن نقطه اصلی و دشمن سابقه‌دار قدیمی قرون و اعصار ادیان الهی - یهود - تصریح می‌کنند. دشمنی که از زمان حضرت ابراهیم و یعقوب تا حضرت موسی و هارون و بقیه انبیاء الهی علیهم السلام همیشه دشمن اصلی بوده و تا توانسته از آنها کشته و تا حد امکان آنان را مورد آزار و اذیت و شکنجه و استهزاء قرار داده و بعد از

۳۴. به کتاب‌های متعددی می‌توان در این زمینه رجوع کرد و به خصوص با توجه به نام آن سرمایه‌داران ماهیت یهودی آنها و با توجه به شیوه‌های رفتاریشان ماهیت یهودیشان را تشخیص داد. کتاب پنج جلدی «زرسالاران یهودی و پارسی» عبدالله شهبازی و کتاب «یهودیان و حیات اقتصادی مدرن» نوشته ورنر سوببارت بسیار خواندنی است.

مرگشان هم با تحریف دینشان در پی عوض کردن خط و مسیر آنان بوده است. سیری در قرآن کریم این داستان شگفت‌آور را بازگو می‌کند:

سوره نساء آیه ۴۶ و سوره مائده آیه ۴۱ و سوره بقره آیه ۷۵ درباره تحریف کتاب خداست.

سوره اعراف آیه ۱۲۹ درباره اذیت و آزار حضرت موسی علیه‌السلام است.

سوره نساء آیه ۱۵۵ و سوره مائده آیه ۱۳ و سوره بقره آیات ۶۱ و ۹۱ و سوره آل عمران آیات ۲۱ و ۱۱۲ در بیان عهدشکنی و قتل انبیاء است.

در سوره مائده آیه ۱۸، سوره جمعه آیه ۶، سوره آل عمران آیه ۲۴ و سوره بقره آیات ۹۴ و ۱۱۱ یهودی‌ها خود را فرزندان و دوستان خدا می‌دانند و مدعی‌اند بهشت مال آنهاست.

آنها با روحیه برتری‌طلبی خود را محقّ می‌دانند که هر جنایتی را انجام دهند و این معنا در سوره بقره آیات ۶۱ و ۸۷ و ۹۱ و در سوره آل عمران آیات ۲۱ و ۱۱۲ و سوره نساء آیات ۱۵۵ و ۱۶۰ و در سوره مائده آیه ۷۰ آمده است.

یهودی‌ها احبار و بزرگان خود را به جای خدا به عنوان ربّ می‌گیرند:

سوره توبه آیه ۳۱

قساوت و سنگدلی از خصوصیات یهود در قرآن کریم است : سوره مائده
آیه ۱۳، سوره حدید آیه ۱۶ و سوره بقره آیه ۷۴

آنها به خدا دروغ می‌بندند و می‌گویند دست و بال خدا بسته است :
سوره مائده آیه ۶۴

آنها حسودند : سوره نساء آیه ۵۴ و سوره بقره آیه ۱۰۹

یهودی‌ها حریص‌ترین مردم به مال دنیا هستند : سوره بقره آیه ۹۶

آنها امانت مردم را پس نمی‌دهند و می‌گویند غیریهود را برما راهی نیست :
سوره آل عمران آیه ۷۵ یعنی خود را قوم برگزیده و برتر و بهتر می‌دانند و فکر
می‌کنند دیگران نسبت به آنها حقّ و حقوقی ندارند.

به طاغوت‌ها و کفّار تمایل و علاقه دارند : سوره نساء آیه ۵۱

مفسد فی الارضند : سوره مائده آیه ۶۴

یکی از تخصّص‌ها و اشتغالات اصلی یهودی‌ها رباخواری است :
سوره نساء آیه ۱۶۱

توجّه شود که نظام معمول بانکداری در دنیای اقتصادی جهان امروز عیناً
همان رباخواری یهودیان است بدون ذکر نام آنها.

و حاصل همه این مطالب آن است که یهودی ها مطابق آیه ۲۹ سوره توبه کافرنند.

چنانکه ملاحظه می شود این آیات در سوره های ابتدایی قرآن کریم مندرج است درحالیکه در سراسر قرآن بیش از هزار آیه درباره یهود و بنی اسرائیل وجود دارد که در بعضی از تحقیقات جمع آوری شده و کتاب های مستقلی هم درباره آنها نوشته شده است.^{۳۵}

آیا قرآن کریم کلام خداوند و وحی نیست؟

آیا این مفاهیم بیان حقایق زندگی بشر نیست؟

آیا نباید با این توضیحات، راه و رسم زندگی انسان شکل بگیرد؟

آیا ما اینگونه نگاه می کنیم و اینچنین عمل می نماییم؟

۳۵. مثل «یهود شناخت» گردآوری دکتر سهیلا جلالی کُندری از انتشارات حامیان آزادی قدس شریف چاپ ۱۳۸۹ و «چهره یهود در قرآن» تألیف عفیف عبدالفتاح طیاره ترجمه و پاورقی سید مهدی آیت الهی انتشارات جهان آرا چاپ ۱۳۵۵ و «بررسی تحلیلی مواجهه قرآن با یهود» نوشته علی اکبر مؤمنی انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی چاپ اوّل ۱۳۷۰ و «یهود در المیزان» تألیف حسین فعّال عراقی نشر سبحان چاپ دوم سال ۱۳۸۳ و «رسول خدا و یهود» تألیف سید جعفر عارف کشفی انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب چاپ اوّل ۱۳۹۵. ایضاً در تفاسیر قرآن کریم هم - مثل المیزان و تسنیم و ... - در توضیح و تبیین آیات مربوط به یهود مطالب فراوان و متعدّد و متنوعی وجود دارد.

اگر نه، چرا؟

چرا این حقایق قطعی و یقینی مورد غفلت قرار گرفته است؟

و از سوی دیگر چرا این خصوصیات شامل حال یهودی‌ها شده است؟

چرا اینقدر اینها «لجوج و لدود و عنود» و دشمن مؤمنین و متعصبند؟

در میان خصوصیات ذکر شده و خصایص معمول یهودی دو صفت از

برجستگی خاص و اثرگذاری ویژه برخوردار است :

یکی خودخواهی و خودپسندی که به صورت نژادپرستی و استکبار جلوه

پیدا کرده است؛

و دوم عشق به پول و مادیات و دنیای حسی طبیعت و بلکه انکار عالم

معنوی و روحانی.

عنایت شود که این دو خصیصه کاملاً به هم مربوط و درهم تنیده و همراه

و هم‌مسیر است به علاوه اینکه این دو صفت مخصوص یهودی‌ها نیست بلکه

انسان‌های دیگر هم همگی به این خصائص نفسانی «کم و بیش» دچارند. ویژگی

یهودی در آن است که آنها این دو صفت را به صراحت و روشنی و با تعصب و

تداوم در کار پرورش خود و تربیت بچه‌هایشان به کار می‌گیرند ولذا بسیار ویژه

و خاص و عمیق و اثرگذار از این صفات در همه شئون زندگی استفاده می‌کنند.

یهودی در هر حرکت زندگی خود اولاً مراقب است که «من از همه بهترم و بالاترم و برای به دست آوردن هدف و سود و امتیاز باید جلوتر و بهتر از همه باشم و در آن راه تا حداکثر امکان بکوشم» و ثانیاً این خصیصه باید سود و فایده و نفع مالی داشته باشد والا به درد نمی‌خورد. آنها در خانواده از بچگی و کم‌سالی، فرزندان‌شان را با این خصایص با دقت و مراقبت و همیت و اصرار و تکرار بار می‌آورند و به طور مداوم می‌کوشند که افراد هم‌نژادشان با همه جزئیات این عناصر فکری و روحی و نفسانی عمیقاً تربیت شوند و به آن عمل کنند و به آن متکی و مقید باشند و کمترین تعلل و کوتاهی را در این زمینه نمی‌پذیرند.^{۳۶}

البته به دنبال این دو اصل اساسی، اصول دیگر هم می‌آید که هرکدام در جای خودش به اندازه خود مؤثر و مهم و بارز است و آنها را مثلاً - و مخصوصاً - در فیلم‌های سینمایی ساخته شده به دست یهودی‌ها - از تهیه‌کننده و نویسنده و کارگردان و هنرپیشه و دیگر عوامل - می‌توان دید و بررسی کرد و در موارد نامشخص و مبهم باید حدس زد که آنها چه می‌خواسته‌اند القا کنند؟ به چه کسی یا گروهی و با چه هدف و مقصدی؟

۳۶. استکبار و خودخواهی به علاوه دنیاطلبی و مادیت بدترین خصائص بشر در فرهنگ اسلامی است و معلوم می‌شود در تقابل اسلام و یهود این دو خصیصه نقشی بسیار اساسی دارد. و البته بقیه خصائص یهود هم همین‌گونه ارزیابی می‌گردد.

اما به هیچ عنوان و هرگز نمی‌توان حمل به صحت کرد و تصور نمود که آنها واقعاً یک کار علمی، یا هنری، یا اجتماعی خواسته‌اند بکنند.

اگر توجه داشته باشیم که نقش یهود در جامعه بشری همان نقش «هوای نفس» در وجود فرد انسانی است آن وقت می‌توان به روشنی از یکی به دیگری عبور کرد؛ یا با یک خصیصه نفسانی، خصوصیتی در یهود را بازشناخت و یا با خصیصه‌ای در یهودی‌ها، یک خاصیت نفس‌آماره را در دسیسه‌های شیطانی و نفسانی بازشناخت.

مثلاً دریافتن اثر لذت‌های فاسد و گناه‌آلود جنسی در تمایلات نفسانی از یک سو و وسوسه‌های این گرایش‌ها در رمان‌نویسی و فیلم‌سازی - و امکان درآمد‌های مالی سرشار در کار سازندگان و مروجان یهودی این آثار - و شباهت و همسانی و همراهی آنها را به روشنی می‌توان دید. این، از مبتذل‌ترین شیوه‌های تحریک و تهییج تا مثلاً کوشش‌های فکری و اعتقادی صوفیان در زمینه از بین بردن اعتقاد به خدا و وحی و اخلاق در آثاری که آنها منتشر و پخش و تبلیغ می‌کنند و کاری که مثلاً بهائی‌های یهودی‌الاصل با هزار دوز و کلک و قیافه و علم و عرفان نمایش می‌دهند.

شاید برخی گمان کنند که اینها مسائل رایج زندگی مادی و نفسانی بشر در طول تاریخ بوده است و چه ضرورتی دارد که آنها را به یهود منتسب کنیم؟

جواب این است که بله «هوای نفس» یک نیروی درونی فردی در تک تک انسان‌ها است و خداوند این خصیصه را در وجود بشر نهاده است تا او را با کمک شیطان و در مقابل عمل انبیاء و اولیا و عقل و فطرت در یک امتحان و آزمایش اصلی و مداوم، زمینه ورود او را به دنیای آخرت و حسابرسی و بهشت و جهنم فراهم کند و همه هم گرفتار این داستان و امتحان و انتخاب هستند؛ اما توجه به این نکته حائز اهمیت است که یکی از خصایص نفس اماره آن است که هر فردی با هم‌سلیقه‌ها و هم‌عقیده‌های خود ممکن است همراه شود تا به انجام کارهای بزرگ‌تر و دسیسه‌های عظیم‌تر دست بزند - که به طور فردی امکان ندارد - و به سودهای فراوان‌تر دست یابد. جرم‌ها و گناهان سازمان یافته، اساساً از اینجا شروع می‌شود و حاصل آن گروه‌های ضدبشری و غیرقانونی است که «یک نفر» نمی‌تواند انجام دهد ولی «یک گروه» می‌تواند. حال «این گروه» اگر از حدّ موقت، چند گام جلوتر برود و به شکل «خانوادگی» حدّ و مرز خود را گسترش دهد و به چند سال و چند قرن برسانند می‌شود مثلاً فراماسونری یا در بالاترین حدّ و مرز می‌شود یهود؛ با پنج هزار سال سابقه.

رفتاری را که برادران حضرت یوسف با او کردند در نظر بگیرید؛ آیا این همان نژادپرستی خشن و بی‌مهار آن برادران در مقابل یوسف و بنیامین - که مادرشان زنی غیر بنی‌اسرائیلی بود - نیست؟

آیا نقلی که یهودی‌ها از حرکت حضرت ابراهیم به مکه و بردن خانم هاجر و فرزندش اسماعیل و نقل بدترین خصوصیات در مورد «شموئیلیان»، همان نژادپرستی یهود نیست؟

و رفتار و شیوه زندگی قارون همان عشق و علاقه به دنیا و همانگونه کوشش و فعالیت برای دار دنیا نیست؟ همان شیوه اقتصادی امروز دنیا و تنها، ماده‌پرستی و پول‌پرستی نیست؟

نظر و عقیده سامری، آیا همین اقتصاد رایج امروز دنیا نیست؟ با روچیلدها و راکفلرها و آدم اسمیت‌ها و کینزها و غیره و غیره؟

در نظام جرائم سازمان داده شده، غیریهود فقط تا چندی می‌توانند دوام بیاورند و پس از مدتی بهره بردن و شلتاق کردن مافیایی به هر حال پس از چندی توان و استعداد و امکاناتشان را از دست می‌دهند. درحالیکه یهودی‌ها با آموزه‌های نوع دینی و اعتقادی قرون و اعصار و تحریف و تبدیل آنها، توانسته‌اند یک نظام هماهنگ و منسجم و ساخته و پرداخته فراهم آورند که هزاران سال کارآمد شده و با هر چند یکبار ضربه و هدم و نابودی، دوباره پس از مدتی خود را بازسازی کرده و با آموزه‌ها و تجربیات تازه، دوباره سرپا شده و حرکت کنند.

و بنابراین ضمن اینکه وجود هوای نفس در کلّ آحاد بشر را نفی نمی‌کنیم ولی تذکر می‌دهیم که یهودی‌ها در این زمینه از تجربه و سابقه و سنت و فرهنگ

و فلسفه برخوردارند و حتی در سه چهار قرن اخیر که با کمک فراماسونری، به نوعی حکومت جهانی یهودیت و مادیت موفق شده‌اند، گروه‌های دیگر را می‌آزمایند تا اگر همراه آنها هستند و همدل - و بلکه مطیع آنها شوند - حتی کمکشان هم می‌کنند و اگر نه - سری و سودایی دیگر و هوای استقلال دارند - رهانشان می‌کنند و گاه لطمه و ضربه هم به آنها می‌زنند.

لذا وقتی مثلاً آقای پاپ مطالبی درباره اسلام و اهانت به آن می‌گوید، دانایان عالم به خوبی می‌فهمند که این «یک عالم مسیحی اروپایی» نیست که سخنی جسارت‌آمیز می‌گوید بلکه او وسیله‌ای شده است تا مطامع یهود را بیان کند.^{۳۷}

و یا وقتی در ایران گروه‌های معاند با خراب‌کاری و بمب‌گذاری و آدم‌کشی عمل می‌کنند، تقریباً همه مردم می‌فهمند که دست اسرائیل در کار است و بیانیه سپاه پاسداران هم به آن تصریح می‌کند.

و یا وقتی در فرانسه شورش می‌شود و کار به آن فضاخت می‌کشد - در تابستان سال ۱۴۰۲ شمسی / ۲۰۲۳ میلادی - هر عاقلی باید بفهمد که

۳۷. توهم سلطه، گزیده سخنان رهبر معظم انقلاب پیرامون صهیونیسم؛ انتشارات انقلاب اسلامی؛ چاپ اول؛ ۱۳۹۲

رئیس‌جمهور فرانسه همچون عامل یهودی‌ها دارد عمل می‌کند والا مقابله یک دولت با این مسائل اینگونه نیست و نمی‌تواند باشد.

یا فساد اخلاقی و اجتماعی و جنسی تا برسد به بی‌حجابی و ... ، یا وضع اقتصادی، یا روابط اجتماعی و سیاسی و ... هرجا را که دست بگذاری رگ و ریشه و عصب و نبض یهودی را می‌توان در آن تشخیص داد؛ البته با کمی توجه و دقت و استقلال فکری از این دامنه وسیع تبلیغات رسانه‌ای، که خود یکی از تخصص‌های یهودی‌هاست تا مطالب را چنان «بپیچانند» و «تحریف کنند» که ردپای خود آنها در آن خرابکاری‌ها از بین برود و بعد با مظلوم‌نمایی و آه و ناله، خود را بی‌گناه جلوه دهند.



اوضاع و احوال جامعه بشری در سراسر جهان نشان می‌دهد که نه فقط آمریکا و انگلیس و فرانسه بلکه اساساً نظام سرمایه‌داری یهودی جهانی موجود در دنیا - که دو قرن سابقه دارد و انواع شکل‌های مارکسیستی و ناسیونالیستی و آنارشیتی و ... انواع ایسم‌ها و مکتب‌های مختلف و ظاهراً مخالف را هم عمداً و سهواً شکل داده است - امروز اساساً و عمیقاً از بن و بنیاد در حال زیر و رو شدن و اضمحلال و فروپاشی است و هیچ تدبیر و تلاش و حقه و دسیسه‌ای دیگر نمانده که به کار نگرفته باشند و اثر نکرده باشد و جهان به سوی یک

نظم نوین جدید انسانی - که به اغلب احتمال اسلامی است - در حال پیشروی است؛ نکته‌ای که شصت هفتاد سال پیش حضرت امام خمینی قدس سرّه آن را دریافت و بعضی نشانه‌ها و علائم آن را برای تیزهوشان و عالمان بازگو کرد و نهضت اسلامی را شروع نمود که تا به اینجا و امروز رسیده است.

این دنیای جدید و نظم نوین را باید در اشاره و کلام رهبری امروز انقلاب اسلامی جستجو کرد و یافت و دنبال نمود؛ در آن «پیچ تاریخی»، و آن نظام و تمدن جدید؛ ... در آن اسلام اصیل ریشه‌دار واقعی که ان‌شاءالله طلایه‌دار ظهور و نمایانگر فلاح و نجات بشر است و البته نه با سادگی و راحتی. اسلام از ابتدا تا امروز هرگز با افراد ساده‌دل راحت‌طلبِ اهل استراحت هیچگاه همراهی نداشته است. دنیای مادی دو قرن اخیر هم به طور مداوم از راحتی و آسودگی و «فینگرتاچ» و لذّت و ... دم می‌زند و تبلیغ می‌کند. این دنیا از آن همان پول‌پرستانِ آسودگی‌طلبِ استراحت‌خواه؛ دنیای جدید دنیای کار و تلاش و مبارزه و کوشش و فعالیتِ همراه با علم و هوشیاری و روشن‌بینی است.

هرکس مرد این میدان است، یاعلی.